

نشریه بیست و  
هشتمین جشنواره  
بین‌المللی تئاتر فجر

شماره دهم

۱۱ بهمن ۱۳۸۸

# تئاتر

دکتر سید محمد حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:  
جشنواره، اعتبار و حیثیت  
وزارت فرهنگ و ارشاد است  
حسین پارسایی:

حالا دیگر بد رود...

پرده آخر برای جشنواره  
بیست و هشتم

بزرگداشت تئاتر ایران  
با تقدیر از پنج هنرمند تئاتر برگزار می‌شود



## تالارهای نمایش در آخرین روز جشنواره



در اختیار نداشتند، این امتیاز را قائل شدیم که نمایش‌ها را ببینند. نمایش‌های ایران‌شهر دیروز با ۴۵ دقیقه تأخیر روی صحنه رفتند. **خانه نمایش** خانه نمایش اداره تئاتر شب گذشته میزبان نمایش «این غسل شهد گلی خونین است» به کارگردانی محسن رنجبر بود که قرار است از سه‌شنبه ۱۳ بهمن اجرای عمومی خود را در همین سالن شروع کند. این نمایش نیز با استقبال خوب تماشاگران روبرو شد.

لهستان دو اجرای پرازدحام داشت. در جمع تماشاگران این نمایش که حدود ۷۰ تن از آن‌ها خبرنگار بودند، دکتر قطب‌الدین صادقی، سهراب سلیمی، مسعود فراستی، رضا صابری، اسماعیل خلج و ... دیده می‌شدند. روابط عمومی تالار همچنین خبر داد در هر اجرای این نمایش، نزدیک به ۳۰۰ نفر در تالار از آن دیدن کرده‌اند. مریم یوسف تأکید کرد: در هر اجرا تلاش کردیم تمامی تماشاگران وارد سالن شوند. حتی برای گروه‌های شهرستانی که بلیت

**فردوسی** «پرای مولوی» شب گذشته نیز با حضور جمعی از هنرمندان تهران و شهرستان‌ها اجرا شد. در این اجرا، علاوه بر معاون مالی-اداری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، مهمانان خارجی جشنواره از استونی، اعضای گروه هرمزگان، حسن دادشکر، جمشید نوایی و تعداد دیگری از هنرمندان تئاتر حضور داشتند. **تماشاخانه ایرانشهر** در این شب، نمایش «میز» از کشور

## شمارش معکوس برای بهترین نمایش از نگاه تماشاگران



گذشته است، نمایش «گل» به کارگردانی یاسر خاسب با امتیاز ۴/۴۰ از ایران و نمایش «دکتر فرانکشتاین» به کارگردانی سالواتوره تراماچره و فابریزیو پوگلیزه با امتیاز ۲/۴۴ از ایتالیا در صدر جدول قرار داشتند. با توجه به آمارگیری روز گذشته باید منتظر ماند و دید آیا آثار به اجرا درآمده در روز پایانی توانسته آمار فوق را تغییر دهد یا نه؟

امروز در مراسم اختتامیه آخرین نتیجه آمار تماشاگران تئاتر اعلام خواهد شد تا بهترین نمایش ایرانی و بهترین نمایش خارجی بیست و هشتمین جشنواره تئاتر فجر براساس انتخاب تماشاگران معرفی شوند. با اعلام این نتیجه، دو نمایش برگزیده مردمی در مراسم اختتامیه جوایز خود را دریافت می‌کنند. طبق آخرین نتایج اعلام شده که مربوط به روز جمعه

## عاشقانه‌های تئاتر ایران

علی‌اکبر عبدالعلی‌زاده



زندگی در هوای تئاتر ایران هم عالمی دارد. آدم‌ها، فضا، بودجه، شرایط، روابط، مناسبات و خلاصه همه چیز، خاص تئاتر است. تئاتر هم مترادف است با پاداش رنجی که به بها دهند، نه به بهانه و بهای آن چیزی نیست جز تحمل رنج حاصل از همه کاستی‌ها و نیستی‌ها و بداخلاقی‌ها و سوءتفاهم‌ها و هزار «های» دیگر. اما این بها به یک شرط پس‌انداز می‌شود برای پرداخت پاداش و آن شرط، عاشقی است. در همین جشنواره تئاتر فجر خودمان عاشقی را می‌شود در اشکال مختلف دید.

### اجرای عاشقانه

این‌گونه اجرا عبارت است از تبدیل نمایشنامه به نمایش در ظرف زمانی اندک، بدون امکانات کافی، با بودجه فقیرانه و شرایط سخت کاری، آنچنان که سرت بر تیرک صحنه بخورد ولی تا پایان اجرا منشی صحنه بمانی و کارگردان هم بویی از دردت نبرد و در پایان اجرا از شدت درد، خون به گلو بیاوری تا بتوانی توقع تماشاگر عاشق را پاسخگو باشی.

### تماشای عاشقانه

عبارت است از تماشاگری که حاضر است، از هزار طریق بلیت یک یا چند اجرا را به دست آورد و با روش‌های ماتریکسی از این سالن به آن سالن رفته، از صف، با شماره صندلی، بی‌شماره صندلی، خبرنگاری، وی‌آی‌پی و حتی ورودی داوران و کارکنان خود را به داخل سالن‌ها بکشانند و یک اجرای عاشقانه را تماشا کنند. البته در این راه از جان هم دریغ نکنند و اگر لازم شد خون رقیب و رفیق را بریزد و خستگی این همه کار طاقت‌فرسا را بر سر راهنمایان سالن خالی کند.

### خستگی عاشقانه

خستگی عاشقانه یعنی آنچنان خسته که نه حرف کسی را بشنوی و نه کسی حرف تو را بفهمد. خستگی ای که آنچنان سوءتفاهم ایجاد کند که دعوای بزرگ بر سر هیچ اتفاق بیفتد. دعوای کارگردان با مسئول سالن، عوامل نمایش با گروه فنی و نور، مسئول سالن با تماشاگران، تماشاگران با خودشان و الخ؛ خستگی که نتیجه‌اش دعوای عاشقانه باشد.

### دعوای عاشقانه

دعوایی بر سر اجرای عاشقانه، تماشاگری عاشقانه و حاصل خستگی عاشقانه و مولد دعوای عاشقانه بعدی. در برخی موارد هم دیده شده دعوای عاشقانه بر سر عنصر جدیدی با عنوان جلوه‌گری راهنمایان سالن و بر اثر ترکیب و تجزیه بی‌مورد صف‌های مختلف رخ می‌دهد. این‌گونه دعوا را باید دعوای حاصل از سالن‌گردانی عاشقانه دانست. به هر تقدیر پرده عاشقانه‌های بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر نیز امروز با اعلام برگزیدگان پایین می‌افتد و پرده بیست و نهمین دوره جشنواره از فردای امروز با عاشقان تازه‌نفس بالا می‌رود.

ان‌شاء...



مدیرمسئول: حسین پارسایی

سردبیر: علی‌اکبر عبدالعلی‌زاده

معاون سردبیر: مریم فلاح

دبیر تحریریه و مدیر اجرایی: عباس عبدالعلی‌زاده

مدیر هنری: علی رستگار

تحریریه: زهرا شایانفر، رضا آشفته، احمد محمداسماعیلی، علی شمس، بهاره برهانی، سید محسن حسن‌زاده، احسان هوشیارگر، محمدحسین لوانسانی، سمیرا محمدی و غسل آذرپور

معرفی آثار: رضا آشفته، سید محسن حسن‌زاده

ویراستار: محمد عبدعلی

برگردان به انگلیسی: منور خلج

برگردان به فارسی: حسین شاکری

صفحه‌آر: مهدی میرحسینی

عکس: حسن هندی

با همکاری: امیر خلوصی و اکبر ترابی

با همراهی: مسعود پاکدل، محمدرضا سلطانی

عکس روز: رضا معظریان

با همکاری: میلاد پیامی، شکوفه هاشمیان، مهدی حسینی، رتوفه رستمی، ناصر عرفانیان، مانی لطفی‌زاده، رضا موسوی و احمد نشان

آرشیو عکس: محمد تهرانی

امور انفورماتیک: مهدی عبدالعلی‌زاده

نمونه‌خوانی و تصحیح: ساعد وثوقی با همکاری فریبا ولی‌نژاد، معصومه مهدوی و بهناز ولی‌نژاد

حروف‌نگار: ساناز صالحی، علیرضا حسین‌زاده‌نیاری

ناظر چاپ: محمد علی بهستانی

لیتوگرافی و چاپ: گنجینه هنر

با سپاس از همکاری: جلال تنگی، محمد اطیابی و محمدرسلول صادقی

سایت ایران تئاتر: [www.theater.ir](http://www.theater.ir)

سایت بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی فجر: [www.fitf.ir](http://www.fitf.ir)



## پرده آخر برای جشنواره بیست و هشتم



مراسم اختتامیه بین‌المللی بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر ساعت ۱۹ روز ۱۱ بهمن در تالار وحدت برگزار می‌شود. این مراسم با کارگردانی محمد حیدری، طراحی صحنه احمد کچه‌چیان و اجرای محمد سلوکی به مدت ۹۰ دقیقه برگزار خواهد شد تا برگزیدگان جشنواره از دید داوران مسابقه بین‌المللی، منتقدان جهانی و مخاطبان تئاتر معرفی شوند. روزانه جشنواره گفت: «در فهرست برنامه‌های اختتامیه، معرفی جایزه مردمی که برای اولین بار به یک نمایش ایرانی و یک نمایش خارجی اهدا می‌شود، معرفی جایزه منتقدان جهانی در ۷ بخش و جایزه بخش مسابقه بین‌المللی در ۸ بخش را داریم. از دیگر برنامه‌های این روز مراسم بزرگداشت

طراحی صحنه این مراسم توضیح داد: «تمام تلاشمان را کرده‌ایم تا این اختتامیه شبیه هیچ اختتامیه‌ای نباشد در عین حال، کاملاً تئاتری باشد.» او افزود: «حداقل ۸ یا ۹ بار صحنه عوض می‌شود ولی هیچ ورود و خروجی نداریم. تغییرات از دل صحنه اتفاق می‌افتد و دیوارها از حالتی به حالت دیگر تبدیل می‌شوند. این تغییرات به‌ویژه در بخش بزرگداشت‌ها چشمگیرتر می‌شود. کوشیده‌ایم صحنه به نسبت حرفه و تخصص هر یک از این چهره‌های تئاتری تغییر کند.» کچه‌چیان همچنین تاکید کرد: «تلاشمان را کرده‌ایم که به سمت یک مفهوم برویم که از نظر بصری نیز زیبا باشد.» بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر امروز به کار خود پایان می‌دهد.

پنج هنرمند صاحب‌نام تئاتر که در همین نشریه نام آنها ذکر شده و تقدیر از ایرج راد و داریوش فرهنگ دو کارگردان پیشکسوت جشنواره خواهد بود.» وی در خصوص کارگردانی این مراسم گفت: «تمام بخش‌های برنامه کوتاه و به شکل نمایشی تنظیم شده‌اند. به این ترتیب با طراحی خاصی که برای اولین بار برای بخش‌های مختلف اختتامیه انجام شده، ۹۰ دقیقه بدون خستگی برای تماشاگران برنامه خواهیم داشت.» این کارگردان تئاتر، نویسنده بخش‌های این برنامه را حمیدرضا آذرنگ معرفی کرد. آذرنگ نیز در توضیح بخش نوشتاری این مراسم گفت: «گذشته از سرتیتراهایی برای مجری برنامه، قطعاتی را نیز برای بخش بزرگداشت تنظیم کرده‌ام که از یادداشت‌های کتاب جشنواره استخراج نموده‌ام.» احمد کچه‌چیان نیز درباره



حسین پارسایی

حالا دیگر سال‌هاست که بهار تئاتر از دل زمستان سر برمی‌آورد. حالا سال‌هاست که شکوفه‌ها در دل زمستان صحنه‌ها را رنگین می‌کنند. نوروز زمستانی ما از راه رسیده و آسمان گره از پیشانی می‌زداید و صحنه‌گردانان پرشورتر از همیشه مشغول‌اند و من دلتنگ، دلتنگ آن زمستان که آغاز شکوفیدن بهار در تن مشتاق من بود و به موهبت باغبان هستی، در گوشه‌ای از باغستان هنر سر برآوردم و به اسم صدایم کردند همسایه‌ها و همساقه‌هایم تا هر زمستان سهم کوچکی از بهار باشم بر صحنه‌های بی‌تکلف عشق، یادش بخیر ... چه تلاش بی‌حد و حصری که حضورمان لطمه‌زن شعوری نباشد و صدایمان آن قدر رسا که برسد به آخرین نفر، همپای اولین‌ها. یادش بخیر، چقدر همسرای کردیم که بی‌بهبانه دوست بداریم. یادش بخیر... و حالا دیگر سال‌هاست که هر زمستان دلم برای بهار خودم تنگ می‌شود، برای آن روزها که نه دبیر و مدیر و رئیس بودم و نه این‌همه تنها ... حالا دیگر سال‌هاست که دلتنگ همان سلام‌های بی‌دغدغه و بدرودهای بی‌حاشیه هستم، همان نگاه‌های بی‌توقع و همان صداهای بی‌تمنایم... حالا دیگر سال‌هاست که آرزومند رسیدن صدایم به تالارهای نمایشی هستم و نه آن‌سوی میزها ... حالا دیگر سال‌هاست که دلم برای خودم تنگ می‌شود، برای تو، برای کسی که نه برای کسی، که تنها به رسم رفاقت بی‌دلیل به سراغم بیاید، بی‌دلیل به اسم صدایم کند و بی‌بهبانه حالم را بپرسد تا دوباره آغاز شوم. حالا دیگر سال‌هاست ...

حالا دیگر سال‌هاست...

### با اعلام دلخواه و ابراهیمیان

### اجرای نمایش «خدا در آلتونا حرف می‌زند» به نشریه روزانه جشنواره تقدیم شد



شب گذشته اجرای دوم نمایش «خدا در آلتونا حرف می‌زند» به افتخار دست‌اندرکاران نشریه روزانه به روی صحنه تالار ایرانشهر رفت. مسعود دلخواه، کارگردان و محمد ابراهیمیان نویسنده نمایش با اعلام اینکه این دوره از جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر به واسطه تلاش دست‌اندرکاران نشریه روزانه به درستی به آینده تاریخ تئاتر سپرده می‌شود، به دلیل پوشش فوق‌العاده اخبار و رویدادهای جشنواره، اطلاع‌رسانی دقیق در مورد نمایش‌ها، توجه به تمامی بخش‌ها و نمایش‌های حاضر در جشنواره، عرضه به‌موقع و فضای بصری چشم‌نواز نشریه روزانه اجرای جشنواره‌ای تئاتر «خدا در آلتونا حرف می‌زند» را به تمامی همکاران نشریه روزانه هدیه کردند. ابراهیمیان همچنین در گفت‌وگو با خبرنگار ما ابراز امیدواری کرد روند اجرای نمایش‌ها به افتخار اهالی رسانه با این حرکت آغاز شود و تداوم یابد تا هنرمندان تئاتر بتوانند اینگونه دین

خود را به روزنامه‌نگاران، خبرنگاران، نویسندگان و مدیران رسانه‌ای که توجه ویژه‌ای به تئاتر دارند، ادا کنند. این نخستین بار است یک نمایش از آثار جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر به افتخار نشریه روزانه جشنواره به روی صحنه می‌رود.

### اجرای ویژه برای گالیه

نمایش «گالیه» به کارگردانی داریوش فرهنگ، امروز ۱۱ بهمن، ساعت ۱۶ در تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر یک اجرای ویژه خواهد داشت. این نمایش که قرار بود شب گذشته در تالار اصلی مجموعه

نمایش «گالیه» به کارگردانی داریوش فرهنگ، امروز ۱۱ بهمن، ساعت ۱۶ در تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر یک اجرای ویژه خواهد داشت. این نمایش که قرار بود شب گذشته در تالار اصلی مجموعه

### تقدیر از تمامی دوستان و همکاری که با تئاتر بیست و هشتم فجر همکاری داشته‌اند

پناهی و اسماعیل راستگار که تلاششان را قدر می‌نهیم! انجمن هنرهای نمایشی کدام حرکت تئاتری می‌تواند برگزار شود بدون آن‌که نامی از انجمن هنرهای نمایشی ایران به میان نیاید. قراردادهای کمک هزینه‌ها، اعتبارات لازم و پشتیبانی مالی جشنواره بزرگی چون تئاتر فجر با تلاش جمعی اعضای این انجمن انجام شد. حسین راضی، قاسم مرادی، سیدنوید حسینی، امیر بهادر حجازی، محبوبه باباخانی، الهام

تقدیر از همکاران ستاد جشنواره دفتر دبیرخانه جشنواره تئاتر فجر این روزها یکی از پررفت‌وآمدترین واحدهای جشنواره بود؛ مرکز فرماندهی، هماهنگی، تصمیم‌گیری و در عین حال پایگاه اصلی مستندسازی اتفاق‌های جشنواره، از سایت گرفته تا عکس و فیلم. مردان ساختمان شماره ۲ عبارتند از: جواد رضایی، علی نجفی، محسن بابایی، محمدرضا جودی، داوود قطایعی، محمد حمیدزاده، رسول راستگو، محمد



I.T.M مخفف بازار تئاتر ایران یعنی IRAN THEATER MARKET است. توجه به ریتم حرکت به عنوان یکی از عناصر اصلی تئاتر و انعطاف‌پذیری در طراحی حروف از نکات قابل توجه در طراحی لوگوی بازار تئاتر است. همچنین نوع طراحی سال ۲۰۱۰ به عنوان اولین سال افتتاح بازار و تاکید روی حرف T که تداعی صورت را نیز می‌کند و استفاده از المان دست (با نشان برخاستن) در ابتدا و انتهای طرح، ترکیب نهایی این لوگو را فراهم می‌سازد؛ چرا که دست نقش بسیار مهمی در حرکت یک بازیگر دارد. شهلا کوهستانی، طراح لوگوی بازار تئاتر ایران، طراحی پوستر نمایش‌هایی چون «این فصل را با من بخوان»، «خدای کشتار»، «شب مویه‌ها»، «غزل کفر»، «کسوف در کوچ»، «بهترین مامان این حوالی» و طراحی پوستر جشنواره‌ها و همایش‌های منطقه‌ای و سراسری از جمله تئاتر مقاومت و آیین‌های عاشورایی را در کارنامه خود دارد.

چند و چون لوگوی بازار تئاتر ایران

## آثار خارجی بخش بین‌الملل ضعیف‌تر از سطح جشنواره بود

اپون ماری هلن رنه فرانکنه، داور بخش بین‌الملل:



با اپون ماری هلن رنه فرانکنه، داور بخش بین‌الملل جشنواره، پیرامون جذابیت‌های حضور در ایران و داوری جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر به گفت‌وگو نشستیم. او ایران را از طریق دوستان ایرانی‌اش می‌شناسد. درباره تئاتر ما قبل از این که به ایران بیایید، چه شناختی داشتید؟

اطلاعات زیادی از تئاتر ایران نداشتم. آنچه بود از طریق حرف‌های دوستان ایرانی‌ام که با من همکاری می‌کنند، به وجود آمده بود. با یک ذهن سفید و پاک آمدم تا با دیدن نمایش‌ها آگاهی و شناخت پیدا کنم. به دلیل زمینه کاری‌ام که همکاری با مؤسسه تولید تئاتری برای یافتن هنرمندان جوان است، ذهنی کنجکاو در من وجود دارد. جوانان با استعدادی که کارهای خوبی انجام می‌دهند، اما به واسطه جوان بودنشان شناخته نمی‌شوند. علاوه بر این نیز دوست داشتم اهمیت دادن کشورهای دیگر به نیروهای جوانشان را ارزیابی کنم. پس از دیدن نمایش‌ها، تئاتر ایران را چطور دیدید؟

نمایش‌های روشنفکرانه، هدفمند و بسیار عمیقی دیدم. آنچه که این‌جا در مورد نمایشنامه‌ها و کارگردانی نمایش‌ها مشاهده کردم، یک جور سنت کاری است. با این وجود، در کنار آن تئاترهایی هم دیدم که با نمایشنامه‌هایی از شکسپیر مثل «مکبث» کار شده‌اند. این سطح تنوع گسترده‌ای را نشان می‌دهد که بسیار قابل اهمیت است. با این وجود، تئاتر ایران هنوز در قسمت‌هایی مثل دکور، نه به عنوان یک پس‌زمینه پشت سر بازیگر بلکه به عنوان یک شخصیت در اجرا، ضعف‌هایی دارد که باید بیشتر به آن پرداخته شود تا رشد پیدا کند. این موضوعی است که نمونه‌های آن در سایر نقاط دنیا وجود دارد؛ تئاترهایی که بدون تکیه به بازیگر اجرا می‌شوند.

جشنواره تئاتر فجر را چه‌طور ارزیابی می‌کنید؟

در میان اجراها نمایش‌هایی بودند که دوست داشتم، تا آن حد که از آن‌ها دعوت کنم در کشورم به اجرا بپردازند. می‌توانم آینده این گروه‌ها را تصور کنم که چه کارهایی روی صحنه می‌توانند انجام بدهند و موفق به طی چه مراحل می‌شوند. اما در مورد بخش بین‌الملل نمی‌دانم چرا چنین نمایش‌هایی در این بخش به اجرا می‌روند. در واقع، تصویری که من از این قسمت دارم با آنچه در حال وقوع است، کمی متفاوت است. اگرچه بعضی از آن‌ها خوبند، اما برخی دیگر در سطح بخش بین‌الملل جشنواره نیستند و می‌شد آثار بهتری را به طور مثال از اروپا دعوت کرد.

## «تئاتر برای همه» فوق‌العاده است

برایان دالی، داور بخش بین‌الملل:



برایان دالی، تهیه‌کننده، نویسنده، کارگردان، بازیگر و مدیر گروه نمایش «ویلیج»، داوری بخش بین‌الملل جشنواره را عهده‌دار بود. با این هنرمند کانادایی درباره جشنواره تئاتر فجر و تجربه حضورش در ایران به گفت‌وگو نشستیم. پیش از این حضور، چه آشنایی از تئاتر ایران داشتید؟

بدون هیچ پیش‌زمینه ذهنی به ایران آمدم تا با ذهنی بکر و خالی به ارزیابی بپردازم. جایگاه جشنواره تئاتر فجر در میان دیگر جشنواره‌های تئاتر جهان چگونه است؟ به نظرم، عادلانه نیست یک جشنواره را با جشنواره‌های دیگر مقایسه کنیم، چون هر جشنواره‌ای مطابق با فرهنگ جامعه خود بوده و با کشورهای دیگر متفاوت است. جشنواره

**در جشنواره فجر آنچه که توجه‌مرا به خودش جلب کرد، شعار «تئاتر برای همه» بود**

فجر از نظر شرایط فیزیکی و وسعت با جشنواره‌های دیگر قابل مقایسه است، اما مقایسه محتوایی و کیفیت آثار حاضر در آن عادلانه نیست. آنچه توجه مرا به خودش جلب کرد شعار «تئاتر برای همه» بود. این سخن فوق‌العاده‌ای است زیرا نشانگر آن است که همه نوع نمایشی برای همه نوع سلیقه‌ای وجود دارد. نکته قابل توجه و جالب در هر جشنواره‌ای غافلگیری مخاطبان است. بروشورهای اطلاعاتی که برای گروه‌های نمایشی در نظر گرفته شده است و هنگام ورود به سالن داده می‌شود، یا کاتالوگ جشنواره که روز اول در اختیار مخاطبان قرار گرفت و خلاصه‌ای از نمایش‌ها به بیننده ارائه شد و به‌ویژه انتشار نشریه روزانه که فراتر از تصور است، تماشاگر را در انتخاب آثار کمک می‌کند تا نمایشی مطابق با ذائقه خود برگزیند.

با دیدن نمایش‌ها، نظرتان در مورد تئاتر ایران چیست؟ سطح تئاتر و جشنواره ایران بسیار بالا است. در این‌جا، افراد با استعداد و با مهارت زیادی هستند که با وجود فضا برای کارهای بهتر، به راحتی می‌توانند دیده شوند.

چه عواملی برای انتخاب خود دارید؟

این طور نیست که هر یک از اعضای هیات داوران به یک بخش خاصی بپردازد و تنها یک قسمت را داوری کند. اگر بخواهید نظر هر کدام از داوران را جداگانه بدانید، باید به پیشینه و حیطة کاری‌شان که از دنیاهای مختلف تئاتری می‌آیند، دقت کنید.

## لوان ختاگوری، داور بخش بین‌الملل:

## بازار تئاتر، شروعی خلاقانه برای حضور بین‌المللی



برای مثال، «پرای مولوی» از بهروز غریب‌پور، نه تنها یک نمایش بسیار خوب در جشنواره امسال است که می‌تواند اثر فوق‌العاده و قابل توجهی برای دیگر جشنواره‌های دنیا نیز باشد. همچنین این گونه آثار می‌توانند سفیران خوبی برای معرفی فرهنگ ایرانی باشند.

در ارزیابی آثار بخش بین‌الملل چه عواملی برای انتخاب داشته‌اید؟

داوری تنها کار خدا است و حیطة‌ای برای تشخیص این مسأله وجود ندارد. مهم خلق یک هنر در سطح بالا است. اگر هنر واقعی وجود داشته باشد، چیزی به عنوان زبان و کشور متفاوت اهمیت ندارد.

حضور داشتند. این بیانگر آمادگی آن‌ها برای مبادله و همکاری با دیگر کشورهاست و همین طور نشان از امکان رشد آن‌ها دارد.

جایگاه جشنواره تئاتر فجر را در میان جشنواره‌های تئاتر دیگر کشورها چگونه می‌بینید؟

در مقایسه با کشورهای اسلامی، جشنواره تئاتر فجر یکی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین جشنواره‌های تئاتر به شمار می‌آید. این مطلب قابل اهمیتی است که جشنواره‌ای به این سبک شکل گرفته و برگزار شود. به اعتقاد من جشنواره‌ها گزینه‌هایی هستند برای گفتمان فرهنگی و بهترین فرصت را برای رشد تئاتر بومی و منطقه‌ای فراهم می‌آورند.

سالگی به مطالعه تئاتر پرداخته‌ام از تئاتر اکثر کشورهای دنیا اطلاع دارم؛ البته آگاهی در مورد تئاتر ایران به خاطر حضور قبلی‌ام جامع‌تر است.

به نظرتان جشنواره تئاتر امسال نسبت به سال گذشته چه تفاوت‌هایی دارد؟

نکته قابل مشاهده‌ای که موجب ایجاد تفاوت می‌شود اشکال مختلف تئاتری است که همیشه مورد توجه نسل‌های مختلف بوده است. اما مسأله تفاوت جشنواره امسال با سال گذشته در مقوله بازار تئاتر نهفته است که باید آن را یک شروع خوب و خلاقانه برای حضور بین‌المللی دانست. خوشحالم که تمام گروه‌های ایرانی با تجهیز به سیستم ارتباط رایانه‌ای، در آن‌جا

لوان ختاگوری که در روز دوم جشنواره سرپرستی کارگاه «زبان جدید برای تئاتر معاصر» را در تئاتر شهر برعهده داشت، در گروه داوران مسابقه بین‌الملل نیز جشنواره بیست و هشتم را همراهی کرد. لوان ختاگوری دارای مدرک دکترای مطالعات تئاتر جهان و کارشناسی بین‌المللی در رشته مطالعات تئاتر و سیاست‌گذاری فرهنگی است.

قبل از این که به ایران بیاید از تئاتر ایران چه شناختی داشتید؟

برای دومین بار است که در ایران هستم، به دلیل این که از سن ۱۶



گپی کوتاه با مهمانان خارجی جشنواره

## تئاتر در ایران جریانی زنده است

## یوزف مارکوکی، کارگردان نمایش «بابل» از لهستان

شاهد یک تئاتر به شیوه سنتی خواهیم بود. البته اطلاعاتی محدود از مقاله‌های اینترنتی کسب کرده بودم. در این جشنواره، با وجود این که نمایش‌های زیادی را ندیدم، اما تنوع و سطح کاری بسیار گسترده‌ای وجود دارد؛ تئاتری که در عین وجود رگه‌های سنتی‌اش، به تئاتر کلاسیک و مدرن نیز نزدیک شده است. مارکوکی درباره حضورش در بازار تئاتر می‌افزاید: بازار تئاتر ایده بسیار جالبی بود. شاید بتوانیم توسط همین بازار و آشنایی که ایجاد شده، سال آینده برای شرکت در جشنواره تئاتر در لهستان از گروه‌های ایرانی دعوت کنیم.

یوزف مارکوکی، کارگردان نمایش «بابل» از کشور لهستان با تحصیلات آکادمیک در رشته کارگردانی، سال‌هاست که به کار تئاتر مشغول است. او کارگردانی تئاتر را تحت نظر و تعلیم دو استاد بزرگ تئاتر لهستان که چهره‌های جهانی و شناخته‌شده‌ای دارند، آموخته است. سبک کار گروه آن‌ها بر اساس حرکت و در قالب پانتومیم است. البته این سبک مدرن با پانتومیم قدیم لهستان تفاوت‌هایی دارد. او درباره شناختش از نمایش در ایران می‌گوید: اولین بار است که به ایران می‌آیم و پیش از این هیچ آشنایی خاصی با تئاتر آن نداشتیم. تصور آن بود که در ایران



در خلال برگزاری جشنواره و در فرصت‌هایی که گاهی دست می‌داد، با مهمانان خارجی به گفت‌وگو پرداختیم. گزارش پیش رو گزیده‌ای از این گفت‌وگوها است. آنچه در این گزارش بیشتر به چشم می‌خورد، تغییر نگاه مهمانان خارجی نسبت به تئاتر کشورمان، قبل و بعد از حضورشان در ایران است. سخنان یوزف مارکوکی کارگردان نمایش «بابل»، آندره پینیا کارگردان نمایش «پازی»، شوقاکات گالستیان بازیگر نمایش «رنگ‌ها»، فرانچسکو گاندی، نویسنده و کارگردان نمایش «پروانه‌ها» و ایرینا آندریوا بازیگر «فانتومیستریا» پیش از دیگران جلب توجه می‌کند. این گفت‌وگوها توسط عسل آذربور تهیه و تنظیم شده است.

## دنیل کوتز، مستندساز تئاتر، از گروه آلمانی شرکت‌کننده در کارگاه آموزشی

تئاتر یکدیگر است، برسیم. این مستندساز می‌افزاید: حس می‌کنم تئاتر در ایران، به خصوص در میان جوانان ایرانی به شدت مورد توجه است و آنان سعی می‌کنند تا آن را بهتر درک کنند؛ به گونه‌ای که تئاتر زندگی آن‌ها است. ما با تفکر آموزش به جوان‌های ایران، به این‌جا نیامده‌ایم. در ایران این هنر بیشتر جنبه سمبلیک دارد؛ هر چند در تئاتر کشورهای دیگر نیز سمبل جایگاه خاصی دارد اما نگاه ایرانی به سمبل‌ها در تئاتر متفاوت است.

میان کشورها است، به این‌جا آمدیم. در این کارگاه آموزشی، بیشتر به ارتباط بین ویدئو تئاتر پرداختیم. دیدارهایی که با دانشجویان داشته‌ایم، ابتدا به معرفی هنر تئاتر در جهان پرداختیم و سپس کار اجرایی انجام دادیم. مدت زمانی که برای این کار در نظر گرفته شده بود، پنج روز بیشتر نبود. چنین مبحثی نیازمند زمانی فراتر از این است، اما تمام تلاشمان را کردیم تا در همین زمان کوتاه اتفاق خوبی را رقم بزنیم و به هدف اصلی کارگاه آموزشی که آشنایی کشورها با

گروه آلمانی شرکت‌کننده در کارگاه آموزشی از استعداد و علاقه بسیاری که در جوانان ایرانی به تئاتر وجود دارد، می‌گویند. آن‌ها معتقدند چنین ویژگی‌ای بهترین زمینه برای تعالی هر چه بیشتر هنر تئاتر است.

یکی از اعضای این گروه، دنیل کوتز درباره دلیل حضورش در ایران می‌گوید: برای اولین بار به جهت حضور در بخش کارگاه آموزشی جشنواره تئاتر فجر که بهترین امکان برای تبادل اطلاعات و ایجاد ارتباط

## شوقاکات گالستیان، بازیگر نمایش «رنگ‌ها» از ارمنستان



در جشنواره ارمنستان حضور داشته‌اند. آن‌ها سالیانه با پیشرفت بیشتر و در سطح بالاتری حضور دارند که این بسیار شگفت‌آور است. این بازیگر درباره تئاتر ایران می‌گوید: در میان ایرانیان، اشتیاق عجیبی برای از میان برداشتن محدوددها و موانع وجود دارد. آنان متن شکسپیر را به صحنه می‌برند، اما یک کار کلاسیک را ارائه نمی‌کنند. در واقع، از این متن برای گفتن حرف‌های خود استفاده می‌کنند. تئاتر در ایران تنها یک هنر نیست، بلکه جریانی زنده است که وسیله‌ای برای بیان حرف‌هاست.

گالستیان، بازیگر گروه نمایشی «میل» به عنوان دبیر جشنواره بین‌المللی «هایپست» ارمنستان در ایران حضور دارد تا علاوه بر اجرای نمایش «رنگ‌ها» با شناسایی آثار شاخص بتواند گروه‌های ایرانی را به جشنواره سال آینده «هایپست» دعوت کند. گروه نمایشی «میل» نمایشی در تلفیق با رنگ و موسیقی دارد، اما به خاطر عدم حضور کارگردان و بازیگر دوم نمایش این اثر با اندکی تغییرات به صورت فردی اجرا شد. این بازیگر درباره حضورش در ایران می‌گوید: نگاه من نسبت به ایران کاملاً منفی بود. می‌دانستم که جشنواره تئاتری در ایران برگزار می‌شود. اما در تصویری که از ایران داشتم رنگ معنایی نداشت و تنها سیاه و خاکستری دیده می‌شد؛ اما حالا نظری کاملاً متفاوت پیدا کرده‌ام، به خصوص در مورد جشنواره که با چنین وسعت و سازماندهی در حال برگزاری است. او می‌افزاید: آشنایی من با تئاتر ایران بازمی‌گردد به گروه‌های ایرانی که

## آندره پینیا، کارگردان نمایش «پازی» از سوئیس



کارگردان نمایش «پازی» دارای ۲۰ سال سابقه فعالیت در حوزه هنر تئاتر است. او تا به حال ۱۰ نمایش را در کشورهای مختلف اجرا کرده است. محوریت تمام این تئاترها دغدغه انسان امروز است. وی معتقد است آنچه را که خودش نیز

نمی‌داند در تئاترش نمایش می‌دهد.

آندره پینیا در تشریح معنی «پازی» می‌گوید: این نمایش مثل دیگر نمایش‌هایی که تا به حال اجرا کرده‌ام، در مورد بحث خودشناسی انسان امروز است که اسیر دنیای اطرافش شده و به دنبال نداشته‌های خود می‌گردد. در واقع، انسان امروز برای رهایی از چنین بندهایی به جست‌وجو و مکاشفه خود دست می‌زند. «پازی» در زبان ما به معنی «دیوانه» است. این کارگردان درباره تجربه حضورش در جشنواره فجر می‌گوید: نمی‌توانم نظر مشخصی بدهم، جز این که بگویم از نظر کیفیت در سطح خوب و متفاوتی برگزار شده است. همچنین دیدم نسبت به گذشته تغییر کرده است. زمانی که می‌خواستیم به ایران بیاییم، خیلی‌ها مرا از آمدن منع کردند و گفتند که ایرانی‌ها نمی‌توانند این نمایش را درک کنند. ولی من مشتاق‌تر شدم که ببایم و واکنش مردم را نسبت به نمایش مشاهده کنم. تماشاچیان استقبال خوبی از نمایش کردند و این نشان داد نه تنها درک صحیحی از نمایش داشته‌اند که با آن ارتباط خوبی نیز برقرار کرده‌اند.

## ایرینا آندریوا بازیگر «فانتومیستریا»

استرس زیادی داشته است، می‌گوید: به خصوص، برای صحنه‌هایی که بازیگران باید به میان تماشاچیان بروند و این که آیا تماشاگران بپذیرند این بخش خواهند بود یا نه استرس داشتم.

در اولین اجرای گروه، در صحنه‌ای که باید با ورود ماشین به میان تماشاچیان می‌رفتم و حس ترس خود را به آن‌ها منتقل می‌کردم، با اتفاق جالبی روبه‌رو شدم. زمانی که میان مردم رفتم، یکی از تماشاگران مرا بغل کرد و شروع به نوازشم نمود. این‌جا بود که غافلگیر شدم و حس کردم بازخورد و تأثیری را که می‌خواستیم نمایش روی تماشاچیان داشته باشد، ایجاد شده است.

ایرینا آندریوا، بازیگر باسابقه روسی در نمایش «فانتومیستریا»، علاوه بر بازی، دستیار کارگردان گروه «نووگو فرونتا» از جمهوری چک نیز است. او که برای اولین بار است به جشنواره تئاتر فجر آمده، می‌گوید: پیش از این، ایران را به واسطه کتاب‌های تاریخی می‌شناختم؛ تا به حال نه تئاتری از ایران دیده بودم و نه اطلاعی از سبک تئاتر ایرانی داشتم. جالب است که یکی از دوستانم که به دیدن تئاتر «تللو» رفته بود، بسیار از آن تعریف می‌کرد و من به‌شدت از آن سبک خوشم آمد. ایرینا آندریوا تجربه حضور در مقابل مخاطب ایرانی را بکر می‌داند و با اشاره به این که قبل از اجرای نمایش،

## فرانچسکو گاندی، نویسنده و کارگردان نمایش «پروانه‌ها»

«پروانه‌ها» نمایش نور و موسیقی است در تلفیقی از حرکت، تجسمی از لطافت، زیبایی و رنگ که با حرکت در فضا به تصویر کشیده می‌شود. زیبایی با عمری کوتاه که گاه تنها یک روز به دراز می‌کشد؛ فرانچسکو گاندی، نویسنده و کارگردان نمایش «پروانه‌ها»، درباره جشنواره تئاتر فجر می‌پرسیم که می‌گوید: تصویری که برای اذهان عمومی در خارج از ایران ساخته‌اند، با آن‌چه که این‌جا از نزدیک شاهد بودم، بسیار متفاوت است. طی روزهای گذشته، تصویری جدید از تئاتر و مردم ایران دریافت کردم همچنین از مهمان‌نوازی ایرانیان شنیده بودم که حالا به چشم دیدم. همین‌طور حرفه‌ای بودنشان را در این جشنواره به خوبی حس کردم. گروه ما از روز اول با بهترین امکاناتی که نیاز داشت، حمایت شد. رفتار حرفه‌ای در کنار صمیمیت ایرانیان برایمان بسیار قابل توجه و خوب بود. بنابراین، از حضور در این جشنواره و ایران بسیار خوشحالم.



دکتر سید محمد حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

## جشنواره، اعتبار و حیثیت وزارت فرهنگ و ارشاد است



عباس عبدالعلی‌زاده: پس از روی کار آمدن وزیر جدید فرهنگ و ارشاد، تغییراتی در حوزه‌های معاونت‌های ارشاد صورت گرفت؛ اما معاون امور هنری و مدیر کل هنرهای نمایشی همچنان در منصب خود باقی ماندند تا بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر را به سامان برسانند. در گفت‌وگو با دکتر سیدمحمد حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تلاش کردیم دیدگاه وی را نسبت به جایگاه تئاتر در کشور جو یا شویم. آن چه از فحوای سخنان او بر می‌آید، این است که برنامه آینده وزارت ارشاد بر رشد و توسعه بیش از پیش تئاتر در کشور استوار است. حسینی معتقد است هیچ وقفه‌ای نباید در امور هنری ایجاد شود تا متولیان امر بتوانند به بهترین نحو جشنواره را برگزار کنند. او این دوره از جشنواره را نسبت به دوره‌های قبلی موفق‌تر ارزیابی می‌کند و می‌افزاید: البته همه فعالیت‌های ارشاد در برگزاری جشنواره‌ها خلاصه نمی‌شود، اما جشنواره اعتبار و حیثیت وزارت ارشاد است. وزیر در چشم انداز آینده، علاوه بر گسترش تئاتر شهرستان‌ها، توجه به حضور بین‌المللی تئاتر در کشورهای دیگر را نیز پیش روی خود می‌بیند.

نمایشی است؟  
بله، علاقه ما به ماندن ایشان است ولی اگر خودشان برای رفتن به جمع‌بندی رسیده باشند، می‌کوشیم از بدنه تئاتر یکی را انتخاب کنیم و حتماً از تجربیات آقایان ایمانی خوشخو و پارسایی نیز به بهترین وجه استفاده می‌نماییم. نگاه ما محدود کردن و بستن نیست، بلکه نگاهی رو به گسترش است. این گسترش نه فقط در تهران بلکه در شهرستان‌ها نیز صورت خواهد گرفت و اعتبارات مناسبی برای گسترش تئاتر در شهرستان‌ها تخصیص داده خواهد شد. البته بخشی از موفقیت در این امور به همت خود هنرمندان نیز مربوط می‌شود. لازم است هنرمندان ایده‌های کارگشای خود را عملیاتی کنند تا شوق مدیران این حوزه هم بیشتر شود و بدانند هرچقدر در این زمینه سرمایه‌گذاری کنند، به نفع مردم خواهد بود. خیلی از آسیب‌های اجتماعی موجود با فعالیت‌های خوب فرهنگی رفع خواهد شد. وقتی انقلاب ما یک انقلاب فرهنگی است در استمرار این انقلاب هم باید این روحیه وجود داشته باشد.

هر گروه نمایشی که به خارج از کشور می‌رود، می‌تواند در معرفی فرهنگ کشورمان مؤثر باشد. با حضورمان در عرصه‌های بین‌المللی، خواهیم توانست تبلیغات منفی دشمنان نظام را خنثی کنیم؛ زیرا فرهنگ و هنر کشورمان به‌طور مستقیم در برابر دیدگانشان قرار می‌گیرد. با تجربه‌های مثبتی که کسب کرده‌ایم، باید به سوی اقدامات مثبت و فعالی در عرصه‌های ملی و بین‌المللی گام برداریم.

**سفرهای استانی نشان داد که ما در شهرستان‌ها از نیروهای خلاق، باذوق و توانمندی برخورداریم و به همین دلیل، باید عرصه تئاتر را در شهرستان‌ها نیز گسترش دهیم**

گروه‌های نمایشی از نزدیکی با فرهنگ ما آشنا می‌شوند، پس از بازگشت به کشورشان می‌توانند پیام‌رسانی از انقلابمان باشند. زمانی که مدیریت کلان کشور تغییر می‌کند؛ معمولاً امور جاری با سرعت کندتری پیگیری می‌شود؛ اما در مورد وزارت فرهنگ این اتفاق نیفتاد، به‌همین دلیل ما شاهد برگزاری برنامه‌ریزی شده این دوره از جشنواره بودیم. **آیا نگاه شما به معاونت امور هنری مثبت است یا تغییراتی در این حوزه خواهیم داشت؟**

از قبل نسبت به عملکرد معاونت‌های مختلف ارزیابی‌هایی داشتیم و در برخی معاونت‌ها لازم بود تغییر و تحولاتی رخ بدهد، اما در معاونت امور هنری و حوزه تئاتر ضرورتی برای تغییر نداشتیم. اگر هم برخی گزینه‌ها به عنوان جایگزین مطرح می‌شد، حتماً آن‌ها را مقایسه می‌کردیم زیرا باید فردی انتخاب می‌شد که می‌توانست قوی‌تر از گذشته عمل کند.

با وجود این که دکتر ایمانی از روز اول تمایل خود را برای رفتن اعلام کرده بود، درخواست ما این بود که ایشان حداقل تا پایان سال و اتمام جشنواره‌های هنری بمانند. زیرا به‌خوبی می‌دانیم که جشنواره تئاتر فجر چون در سطح بین‌المللی برگزار می‌شود، اعتبار و حیثیت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

بعد از جشنواره، فرصت وجود دارد تا دوباره با معاون امور هنری صحبت کنیم و نظرشان را جو یا شویم.

**پس علاقه وزارت ارشاد بر ماندن معاون امور هنری و مدیر کل هنرهای**

حضور خوبی را در بیست و هشتمین جشنواره تئاتر فجر نشان داده‌اند. **گسترده‌گی تئاتر را چطور می‌بینید؟ آیا برنامه‌ای برای حمایت بیشتر از تئاتر در حوزه شهرستان‌ها و عرصه بین‌الملل دارید؟**

بررسی‌هایی که در زمینه‌های مختلف انجام شده، نشان می‌دهد که در این دوره نسبت به دوره‌های قبل در اغلب زمینه‌ها پیشرفت خوبی شده است. البته نه به این معنی که ظرفیت تئاتر کشور همین است، بلکه ما ظرفیت بیشتری داریم. زیرا در کنار پیشکسوتان عرصه تئاتر که شاهد حضور آن‌ها هستیم، جوانان با استعداد زیادی نیز در سطح کشور داریم. سفرهای استانی نشان داد که ما در شهرستان‌ها از نیروهای خلاق، باذوق و توانمندی برخورداریم و به همین دلیل، باید عرصه تئاتر را در شهرستان‌ها نیز گسترش دهیم. باید در شهرهایی که این امکان را ندارند، کارهای زیربنایی انجام داد تا همانند جشنواره فیلم فجر که هم‌زمان در ۱۰ استان برگزار می‌شود، جشنواره تئاتر فجر هم در سطوح مختلف کشور گسترده شود.

در عرصه بین‌المللی نیز باید اقدام‌های جدی داشته باشیم. برنامه‌ریزی‌هایی برای سال آینده خواهیم داشت تا از کشورهای همسایه، کشورهای عضو آکو و کشورهای که در عرصه نمایش صاحب‌سبک‌اند، گروه‌هایی در این جشنواره حضور پیدا کنند. ما تلاش می‌کنیم فعال‌تر عمل کنیم تا اشتیاق حضور این کشورها را بیشتر کنیم. ایران می‌تواند محور فعالیت‌های نمایشی در سطح منطقه و جهان باشد. وقتی

**جشنواره تئاتر فجر مهم‌ترین جشنواره تئاتری کشور است. شما امسال اولین مواجهه را با این جشنواره تجربه کردید. از چه منظری به جشنواره تئاتر فجر نگاه می‌کنید؟**

در بهمن ماه هر سال جشن‌های متعددی داریم که جشنواره تئاتر فجر در کنار جشنواره فیلم و موسیقی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از روز اولی که فعالیت خودم را در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شروع کردم، هر گاه سؤال شده که نگاهمان به جشنواره‌ها چگونه است، گفته‌ام که لازم است همه امور با جدیت دنبال شود و هیچ وقفه‌ای در کار بوجود نیاید. به همین دلیل، در معاونت هنری کم‌ترین تغییرات را داشتیم تا دوستان بتوانند به بهترین نحو جشنواره‌ها را برگزار کنند. البته ما همه فعالیت وزارت ارشاد را در برگزاری جشنواره‌ها خلاصه نمی‌کنیم، اما می‌دانیم که برگزاری یک جشنواره می‌تواند نشان‌دهنده ابعاد مختلف فعالیت‌های هنری باشد. من از نیمه راه به این حرکت پیوستم و فکر می‌کنم از تجربیات این دوره برای هر چه بهتر برگزار شدن جشنواره‌ها در سال آینده استفاده خواهیم کرد. از آن‌جا که فرهنگ اصیل ما یک فرهنگ غنی اسلامی و ایرانی است، می‌توانیم موضوع‌های خوبی را برای نشان دادن عظمت مردم به نمایش درآوریم. از این جهت، باید دقت بیشتری در انتخاب چنین مضامینی داشته باشیم. امسال، با وجود کم‌لطفی‌های برخی افراد که تلاش کردند ایجاد دلسردی کنند، اهالی تئاتر روال عادی خود را داشته و





**داوری هر جشنواره هیجان و التهاب خودش را دارد اما وقتی صحبت از عرصه بین‌المللی است، این مقایسه در فضایی داغ‌تر برگزار می‌شود**

به عنوان داور بخش بین‌الملل جشنواره‌ای در حد فجر به یادتان می‌آورم که برای هر انتخاب ساده و روزمره نیاز به قضاوت دارید. چه در حوزه خرید باشد و چه در قضاوت جشنواره‌ای هنری، باز هم مقایسه می‌کنید و آنچه برمی‌گزینید، حاصل قضاوت شماست. یک جشنواره تئاتری چه روی یک موضوع خاص تمرکز کند و یا مجموعه‌ای از سبک‌ها، شیوه‌ها و مضامین را در خود داشته باشد باز هم نکاتی وجود دارد که به شما می‌گوید کدام یک را برگزینید. در امر داوری، نکات متنوعی را باید در نظر گرفت. این‌که آنچه می‌بینید چه نمایشی است و چرا انتخاب شده، چرا در این زمان و با این گروه کار شده، چه مسأله‌ای را مطرح می‌کند، چه لزومی برای اجرا شدن دارد، نوع نگاهش به مسائل امروز چیست و با چه تکنیکی تولید شده است، آنچه می‌خواسته بگوید را به مخاطب می‌رساند یا نه و از عناصر نمایشی چگونه استفاده کرده و ... تمام این معیارها از ذهن داور می‌گذرد. حتی اگر شناختی نسبت به گروه وجود داشته باشد، مقایسه با آثار گذشته، در قضاوت هر یک از داوران وجود دارد. حتی بر اساس این نکته که اثر به چه سرزمینی تعلق دارد و در کجا اجرا می‌شود، امتیاز می‌دهند. وقتی داوران روی یک اثر صحبت می‌کنند خیلی از این نکات کم یا زیاد می‌شوند و چیزهایی نیز از هم می‌آموزند.

داوری یک فرآیند ذهنی و غیرمادی است. نمی‌شود یک نمایش را در ترازو گذاشت و برای آن عدد اعلام کرد یا از روز نخست معیار مشخصی برایش تعریف کرد. همان‌طور که یک هنرمند، با بهره‌گیری از ذهنش، دست به ابداع می‌زند، خلق می‌کند و اثری هنری را روی صحنه می‌برد، داور نیز ایستاده تا با ذهن، سابقه، تجربه و دانش‌اش دست به مقایسه زده و امتیاز دهد. داوری را نیز یک فرآیند هنری و خلاق می‌دانم.

داوری هر جشنواره هیجان و التهاب خودش را دارد اما وقتی صحبت از عرصه بین‌المللی است، این مقایسه در فضایی داغ‌تر برگزار می‌شود. سه تا چهار اثر را در هر روز دیده و در فواصل آن، ضمن استراحت با سایر داوران تبادل نظر کرده و به مقایسه نشست است. داوران بین‌المللی را نمی‌شناختم اما در این زمان کوتاه با تعدادی از تئاترشناسان دیگر کشورهای جهان آشنا شدم و این اتفاق را به فال نیک می‌گیرم.

داود رشیدی، داور بخش بین‌الملل:

## داوری، فرآیندی هنری و خلاق



روند برگزاری یک جشنواره برای دبیرخانه دائمی جشنواره‌ها یک فرآیند ثابت دارد که با توجه به گستردگی جشنواره تغییر می‌کند. اتفاق مثبت جشنواره امسال این بود که فراخوان جشنواره بیست و هشتم در اختتامیه جشنواره دوره قبل ارائه شد. تجربه به من می‌گوید که دو عامل بر کاهش مشکلات دبیرخانه تئاتر تأثیر می‌گذارد؛ اول، فراخوان به موقع و شفاف و دوم آماده کردن جدول برنامه است.

خوشحالم که به نسبت سال‌های قبل، رضایت بیشتری از سالن‌ها و روز اجرای گروه‌ها وجود داشت. توجه داشته باشید که دبیرخانه جشنواره با توجه به امکانات موجود برنامه‌ریزی می‌کند، اما شرایطی نیز از سوی دوستان

تحمل می‌شود که کار را سخت‌تر می‌کند از جمله بازیگران مشترک، امتحان داشتن برخی اعضای گروه‌ها و مسائلی از این قبیل؛ تمام تلاشمان این است که بهترین رضایت وجود داشته باشد، چرا که ما برای انجام این امور این‌جا هستیم و موظفیم که همین کارها را انجام دهیم. از هنرمندان نیز انتظار درک متقابل داریم.

جدول برنامه جشنواره نیز امسال زودتر از هر سال آماده شد تا گروه‌های نمایشی زودتر نسبت به آماده‌سازی بخش‌های فنی خود اقدام کنند.

با این‌که در فراخوان اعلام کردیم استاد مسئولیت حضور بازیگران را در پیش از دو نمایش نمی‌پذیرد، اما باز هم با نمایش‌هایی روبه‌رو شدیم که با این مسأله دست به گریبان بودند. می‌دانیم که در آثار بخش مرور نمی‌توان بازیگر را عوض کرد و تعداد گروه‌هایی که از حضور برخی بازیگران‌شان در جشنواره مطمئن نیستند، زیاد است، اما اعتقاد داریم که باز هم می‌شود برای آن برنامه‌ریزی کرد. در روزهای برگزاری جشنواره کارهای ریز و درشت دیگری داشتیم که دعوت از مهمانان، گروه‌های شهرستان، اسکان و توزیع بلیت‌های جشنواره را نیز شامل می‌شد.

اتفاق بسیار مثبت امسال این بود که تمام سالن‌ها دارای شماره صندلی بودند و بلیت‌ها نیز به تعداد صندلی‌ها به علاوه آن درصدی که هر سالن امکان پذیرش مخاطب بدون صندلی را دارد، صادر شد. این اقدام که برای ایجاد نظم صورت گرفت، از تعداد بلیتی که دبیرخانه برای گروه‌ها در اختیار داشت کاست، ولی اعتقاد داریم اگر با این روش در سال‌های بعد پیش برویم ازدحام پشت درهای سالن و نگرانی ایستادن در صف از تماشاگران گرفته خواهد شد؛ آنچنان‌که با پیش‌فروش بلیت اولین گام را در این مسیر برداشتیم.

برای رسیدن به زمان‌بندی معقول از ارسال متن تا اجرا تلاش بسیاری انجام دادیم و اکنون امیدواریم روزی برسد که فاصله‌ای به نسبت مناسب نیز برای پیش‌فروش بلیت نمایش‌ها داشته باشیم. رسیدن به آن مستلزم صرف زمان، انجام اقدام‌های زمینه‌ای و کار زیربنایی است که امید می‌رود در سال‌های آینده عملی شود.

جلال تجنگی، مدیر دبیرخانه جشنواره:

## فراخوان به‌موقع، اولین گام جشنواره‌ای منظم

**جدول برنامه جشنواره نیز امسال زودتر از هر سال آماده شد تا گروه‌های نمایشی زودتر نسبت به آماده‌سازی بخش‌های فنی خود اقدام کنند**



# نگاهی به ۱۰ نمایش خارجی بخش مسابقه بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر

رضا آشفته: در بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی فجر، ۱۰ نمایش خارجی به همراه ۸ نمایش ایرانی در بخش مسابقه بین‌المللی شرکت کرده‌اند. «آخرین پر سیمرغ» اثر اشتفان وایلد از دو کشور ایران و آلمان، «بابل» اثر یوزف مارکوکی از لهستان، «پازی» اثر آندره پینیا از سوئیس، «پروانه‌ها» اثر فرانچسکو گاندی و داوید ونتورینی از ایتالیا، «تقریباً هیچ» اثر لوئیز آندره چروبینی از برزیل، «دکتر فرانکشتاین» اثر سالواتوره تراماچره و فابریو یو پوگلیزه از ایتالیا، «عطر زمان» اثر برژی زون از لهستان، «فانتو میستر با» کارگروهی از چک، «من، یک، هرکسی بخش دوم» اثر یونگ هی کیم از کره جنوبی و «میز» اثر گروه کارپیدو از لهستان در بخش مسابقه بین‌المللی اجرا شده‌اند. در ادامه، این آثار به اختصار بررسی خواهند شد.

## دکتر فرانکشتاین

«دکتر فرانکشتاین» برگرفته از یک داستان قرن نوزدهمی به قلم مری شرلی است. با این تفاوت که آن داستان تخیلی و درباره یک هیولا است که جسمش از ترکیب اندام مردگان متفاوت درست شده است. کارکرد آن هم ایجاد سرگرمی و وحشت است. اما در این جا این هیولا ابعاد مادی و اقتصادی به خود می‌گیرد و در حال بلعیدن همه چیز است. شاید همین نگاه متفاوت است که بار نمایشی اثر را بالا می‌برد و آن را منطبق با زمانه حاضر می‌گرداند. قرار نیست که این هیولا همانند دراکولا یا گودزیلا وضعیت دنیا را به شکل بفرنج و رازآمیزی از بین ببرد، بلکه او در نقطه‌ای قرار دارد که با رفتارهای از پیش تعیین شده، به نر می‌همه چیز را از بین خواهد برد؛ بی آن که به ظاهر تخریبی هم مشاهده شود. هیولایی که اقتصاد دنیا را در چنگ گرفته و همه را در مسیر استثمارگر ایانه خود قرار می‌دهد. نمایش اثری ضد سرمایه‌داری است و علم بشر را در نوعی دیگر از شرایط روز به نقد می‌کشد.



## آخرین پر سیمرغ

«آخرین پر سیمرغ» برگرفته از شاهنامه و در عین حال یک برداشت آزاد از آن است. زال به دنبال جهانی پر از عدالت است. سیمرغ او را رها نیده و حالا باید انتظارات زال را برآورده سازد، اما گویا تغییر در تقدیر ناممکن است؛ چنانچه رستم، سهراب را می‌کشد، سیاوش با آن که از آتش رها می‌شود اما در یک دسیسه دیگر قربانی خواهد شد، بیژن برای رسیدن به منیژه سر از سیاهچال درمی‌آورد و با آخرین پراز سیمرغ که سوخته می‌شود، رستم اسفندیار رو بین تن را از پا در می‌آورد و سیمرغ هم می‌میرد! این برداشت به شیوه بازی در بازی و فاصله‌گذاری اجرا می‌شود. در این شیوه، اندیشیدن به ماجرا ملاک ارتباط گرفتن است. بازیگران به دو زبان فارسی و آلمانی نقش آفرینی می‌کنند و بر پرده، برگردان جملات آورده می‌شود. شاید اصالت معنی مانع از بروز یک تفکر آزاد در پس این اجرا شده باشد، یعنی همه چیز از پیش مشخص است و هیچ جای خالی برای ذهن تماشاگر در نظر گرفته نشده که همین خود مانع از بروز ایهام در کل اجرا می‌شود. در عین حال، ارتباط ممکن می‌شود و با حضور دوجانبه بازیگران ایرانی و خارجی که می‌توان با تداومش به آینده خوشبین بود، سرانجامی برایش قابل تصور است.



## عطر زمان

«عطر زمان» در بستر خواب و رؤیا شکل می‌گیرد. پس‌رکی که می‌خواهد رها باشد، توسط والدین در جایی شبیه قفس زندانی می‌شود. او در این جا با کنش‌های مخالف و موافقی همراه خواهد شد. کلاغ‌ها و کشیش او را می‌آزارند، زنان کارگر و افسر برایش شادی می‌آورند، پیرمردی چاق و خپل همبازی تنهایی‌هایش شده، بچه‌ها سر به سرش می‌گذارند و کشیش یا معلم او را به خاطر ابله بودن تنبیه می‌کند. پسر از دل یک جنگ ویرانگر جان سالم به در می‌برد و... نمایش با اتکا به بازی‌های شلوغ و پراثری به دنبال پیوندی ارگانیک با تماشاگر است. همه چیز در دل خواب رؤیت و تأویل خواهد شد که ریشه در عقده‌های بشری دارد. تربیت خشک و رفتار جزم‌اندیشانه، روح آدمی را در این اثر متلاشی می‌کند. شاید پیرمرد خپل، روزگار آینده این پسر باشد که در شرایط مطلوب کودکی نکرده است. نمایش چون خواب بی‌کلام است و همین ذهن را به سوی ناخودآگاه سوق می‌دهد؛ یک رؤیا که به ما هشدار می‌دهد!

## پازی

«پازی» یک اثر عرفانی است و از همان ابتدا پیداست که چه اتفاقی در صحنه می‌افتد. نمایش با حرکت سخت و ریاضتمندانه دو بازیگر زن در یک مسیر مستطیل شکل تصویر می‌شود. تصویری که در هماهنگی با نور و موسیقی تبدیل به فضایی شهودی و قابل القا خواهد شد. زنی می‌گریزد. او باید از تن خود عبور کند. این ستیز با تن آن قدر ادامه می‌یابد که منجر به آزادی می‌شود. بازیگران زن بنابر حرکات طراحی شده و موسزون بر آن هستند تا لحظه‌های نمایش را در ترکیب‌های بجا فضا سازی کنند؛ فضایی که در برگزیده حس آزادی و یکی شدن است. وصلی اتفاق می‌افتد و تن را از سختی و ریاضت عبور می‌دهد. درک نمایش نیاز به حس ششم دارد و این در ناخودآگاه اتفاق می‌افتد و خط اتصال داشتن یک تجربه مشترک است یا این که بخواهی در این ورطه خود آزمایی‌های نمایشی!





# ن الملل بیست و هشتمین جشنواره بین المللی فجر



## تقریبا هیچ

«تقریبا هیچ» را به لحاظ سبک و شیوه نمایش می توان یک اثر پست مدرن تلقی کرد. در دل این نمایش، با چهار نمایش‌واره روبه‌رو می‌شویم که تمامی آن‌ها در برگرفته یک فضای نوستالژیک و آوارگی چند هنرمند است؛ آن‌ها در یک ساحل شنی همانند مردگان در خواب هستند و لحظات بیداری یا زندگی‌شان همراه با اجرای یک نمایش عروسکی خواهد بود. جوانی که با کاغذ روزنامه یک غاز می‌سازد و این پرندۀ بر آن است تا به زحمت تخمی بگذارد. او این تخم را ترک می‌کند. از درون تخم، شن در می‌آید. زن آواره به اتفاق همان پسر یک عروسک چوبی را به رقص در می‌آورد. زن عروسک پرندۀ را در دست می‌گیرد که توسط شوهرش درون سبیدی زندانی است. زن در دست‌هایش دو دستمال سرخ و آبی دارد که نماد یک زن و مردند که پس از ازدواج، بچه‌های زیادی را به دنیا می‌آورند. سر آخر، نوبت به دو عروسک‌باز می‌رسد که در یک خیمه نمایش شادی آوری را اجرا می‌کنند. در ظرف پول این عروسک‌بازها هم چیزی جز شن نیست. این لحظات به هم گره می‌خورند، نور، عروسک و موسیقی نقش مهمی در این رابطه دارند.

## فانتو میستریا

«فانتو میستریا» یک نمایش آخر زمانی به شمار می‌آید، تصویری هولناک از دنیایی که در آینده به وقوع خواهد پیوست. در این جا، رؤیا، واقعیت ممکن را شکل می‌دهد. مردی با لباس‌های سوخته در حالی که از انفجاری بزرگ جان سالم به در برده است خود را اسیر دو دلقک می‌بیند؛ دو دلقکی که می‌خواهند جهان را با تمام ابهت و ماهیتش تسمخ کنند. البته هنوز هم هستند دست‌های پنهانی که در سلب آرامش و ایجاد بلوا می‌کوشند. موسیقی و حرکات ریتمیک و دلقک‌مانانه بازیگران در ایجاد فضای گروتسک حضور پررنگی دارد. همه بر آن هستند تا بر هم ریختن نظم جهان و تهدیدهای ناشی از آن را در میدان که نمادی از کل جهان است، به نمایش بگذارند. طنز نمایش در پی آن است که از تلخی‌ها بکاهد و بر میزان ترازوی بیفزاید. نمایشی که انسان را از جنگ بر حذر می‌داند و بر صلح و آرامش تأکید می‌کند، ولی همه چیز، خلاف آن جریان خواهد یافت.

## پروانه‌ها

«پروانه‌ها» از ایتالیا یک پرفورمنس است. اجرایی که بر آن است تا با استفاده از فناوری و همراهی آن با بازیگری، ارتباطی منطقی با طبیعت برقرار کند. در این اجرا ضمن پرداختن به مراحل رشد و دگردیسی پروانه‌ها، لحظاتی ناب در ارتباط با طبیعت شکل می‌گیرد. لحظاتی که دو بازیگر با موسیقی حرکات خود را هماهنگ می‌کنند و تصاویر ویدئو نیز بر دو پرده رودرویی هم پخش می‌شود. این فضاها کاملا انتزاعی هستند. برای آن که تلاش بازیگران نتیجه داده باشد، آزمونی صورت می‌گیرد تا چند نوجوان و جوان با به صحنه بگذارند و یک بازی شاداب را مهیا کنند. مدام تصاویر و فضاها فرق می‌کند و طبیعت به زیباترین شکل ممکن مقابل دیدگان تماشاگر قرار می‌گیرد و با القای یک حس حقیقی بر آن است تا دل را به طبیعت پیوند بزند؛ پیوندی ناگسستنی که لازمه تحقق حیات است؛ نکته‌ای که اگر از بین برود، انسان افسرده خواهد شد. آن چه در این پرفورمنس چیره می‌شود، حضور بهینه تکنیک و فن آوری است؛ برای همین از قالب یک نمایش فاصله می‌گیرد. در ضمن این اجرا به دنبال برقراری یک ارتباط دو سویه است تا فضایی را در ذهن القا کند. در این جا، فرآیند بازی به خدمت گرفته می‌شود که نتیجه بخش است و این خود دلالت بر استفاده درست از فن آوری در آثار هنری می‌کند که همچنان پاینده اصول زیبایی‌شناسانه است؛ با آن که ادعایی در درام بودن خود ندارد.

## میز



این هم‌نواپی لذت می‌برد. ارکستری کوچک و چهار نفره که به حداکثر لحظات موسیقی دامن می‌زنند و موج صوت به تن می‌نشیند و همه چیز به زیبایی ته‌نشین می‌شود. نمایش تمهیدی است تا بر زیبایی این اجرای موسیقی بیفزاید و به همین خاطر تأثیرگذار می‌شود، البته از همان جنبه حس و موسیقایی بیشتر!

«میز» یک اجرای موسیقی یا به عبارت بهتر پرفورمنس است. در این جا، موسیقی نقطه مرکزی اجراست و در حاشیه آن نمایش و ادا و اطوارهای خاص آن به کار گرفته می‌شود تا نمایشی از اجرای موسیقی در اختیار مخاطب قرار گیرد. یک بازی سرآغاز این اتفاق موسیقایی است. چهارمرد با لباس‌های مشکی به صحنه می‌آیند، پشت میزی می‌نشینند و در هماهنگی کامل با بدن‌های خود و دیگری، و در التهاب و ارتعاش دست‌ها بر صفحه روبین میز موسیقی می‌سازند. در این میز، یک دستگاه الکترونیک تعبیه شده است تا همه چیز همانند سینتی‌سایزر با کوچک‌ترین حرکت دست، انگشتان، صورت، آوای انسانی، کشیدن آرشه، ضرب گرفتن، فوت کردن آب بر ظرف، پرتاب یک تیغه فلزی بر روی میز و غیره نت‌های قابل لمسی ایجاد شود. این نت‌ها با یک هماهنگی و ضرباهنگ راستین منجر به اتفاقی موسیقایی می‌شوند. آواز هم جزئی از آن می‌شود تا ما با انواع موسیقی انتزاعی و درونی همسو و همگام شویم.

چهار نفر گویی یکی هستند، چون بسیار هماهنگ عمل می‌کنند و در بده بستان صوتی آنان است که موسیقی به جریان می‌افتد، نغمه‌هایی که از هم تنیدگی مجموع حرکات حساب‌شده آنان به نتیجه می‌رسد و مخاطب نیز از شنیدن

## بابل

«بابل» نمایشی بی کلام و متکی به هنر پانتومیم و کرئوگرافی است که با ماهیتی ضد جنگ و خشونت اجرا می‌شود. در این نمایش، دو اتفاق عمده تاریخی باعث و بانی شکل گرفتن این نمایش می‌شود؛ یکی فروپاشی برج بابل و دیگری سقوط برج‌های دوقلو در آمریکا. با آن که اشاره مستقیمی در این نمایش به دو واقعه نامبرده نمی‌شود، اما بستر نمایش همین‌هاست. بنابراین، نمایش زبان جهانی و مسأله روز را برای همگان تصویر می‌کند؛ تصویری که در حرکت و بازی بازیگر و در القای فضاهای به هم پیوسته رؤیت می‌شود. آهن یک عنصر جانبی در ایجاد فضا است. بازیگران با پانتومیم با به صحنه می‌گذارند و گویی یک بازگشت به گذشته صورت می‌گیرد و برجی از هم پاشیده توسط جمعی دوباره بازسازی می‌شود. بعد روزمرگی آدم‌ها در خانه و کار تکراری‌شان را می‌بینیم تا اینکه انفجاری این برج را از هم می‌پاشد. تکنیک حرکت سریع و حرکت کند سینمایی نیز در جاهایی از نمایش کاربرد دارد. جلو و عقب بردن فیلم‌سرد تدوین نیز ملال و تکرار را به شدت یادآوری می‌کند. همین نکات تکنیکی است که تنوع دیداری و ضرباهنگ را برای نمایش به ارمغان می‌آورد. در عین حال، لحظاتی هم هست که شاید کمی شخصی‌تر باشد؛ مانند نوار کاغذی که دختر در صحنه می‌پراکند.

## من، یک، هرکسی، بخش دوم

تا دلیلی آشکار بر خروج روح از تن باشد. همه اینان در ارتباط با هم، هماهنگ و همسو زیبایی درون را در هم‌نواپی با طبیعت نشان می‌دهند. در قسمت دوم نیز همین گروه، این بار در لباس‌های سیاه، بخشی دیگر از ارتباط دقیق و متمرکز با کیهان را رخ‌نمایی می‌کنند. در این حرکات و موسیقی، ذن بودیسم حضور عینی دارد و تمرکز و دقیق‌شدن در همه چیز به راحتی اتفاق می‌افتد. مخاطب نیز در جایی ایستاده و بنا بر تمرکز خود می‌تواند از طریق گروه همسویی خود را در یکی شدن با طبیعت اعلام کند چون از زیبایی موسیقی، حرکات، تصاویر و فضاها لذت لازم را می‌برد. این تحرک ذهنی ارتباط با طبیعت را در ضمیر ناخودآگاه ممکن می‌سازد. پس از دیدن نمایش باید ناخواسته در خود طبیعت جست‌وجو کرد که این همان تأثیر ماندگار یک اثر هنری است.

«من، یک، هرکسی، بخش دوم» یک نمایش متکی به حرکت است. با آن که همه چیز در لفافه مدرن به نمایش درمی‌آید، اما آن چه به آن ماهیت عینی می‌دهد، همانا رقص‌های کهن کره‌ای است؛ یعنی پلی بین گذشته و امروز زده می‌شود تا در این رویارویی زمانه‌ها، انسان متوجه ارتباط خود با دنیای بیرون از خود باشد. در این جا، طبیعت حرف اول را می‌زند و ارتباط با آن نیز در تکامل و سیر طبیعی هم ممکن خواهد شد. چنانچه در قسمت اول نمایش، پنج زن پای پنج کنده درخت خوابیده یا بیدارند. آنان لباس سبزی به تن دارند تا خود بیانگر سرسبزی طبیعت یا نمایی از خود درختان باشند. موسیقی به این رقصندگان جان می‌دهد. گویی نسیم و باد می‌وزد و شاخ و برگ و تنه درختان به حرکت درمی‌آید. در این ساز و نوا، تن بعدی درونی به خود می‌گیرد



# جشنواره راهبردهای تئاتر را مشخص می‌کند

محمد خزاعی، مشاور دبیر و مدیر بخش رادیویی و تلویزیونی

**محمد خزاعی در جشنواره بیست و هشتم تئاتر فجر به عنوان مشاور دبیر، مدیر و یکی از اعضای هیأت داوران بخش رادیویی و تلویزیونی همکاری دارد. او مدبری است که همواره از ایده‌پردازی صرف پرهیز کرده و راهکارهای عملی برای دستیابی به اهداف پیش رو ارائه می‌دهد. در مطلب پیش رو با خزاعی درباره مسائل امروز تئاتر یعنی مخاطب، خصوصی سازی و راهکارهای عملی رسیدن به آن به گفت‌وگو نشستیم**

**به عنوان مشاور دبیر، در چه زمینه‌هایی مورد مشورت قرار گرفته‌اید؟**

به جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر چند بخش افزوده شد و دبیر جشنواره با توجه به تجربیات گذشته‌ام خواست تا در این بخش‌ها به عنوان مشاور حضور داشته باشم. یعنی در حوزه رسانه و رادیو و تلویزیون، شهرستان‌ها و نمایش‌های صحنه‌ای.

همه تلاشمان بر این بود که جشنواره‌ای متفاوت و با بخش‌های وسیع‌تر داشته باشیم. برای نخستین بار، گام بزرگی برای برپایی بازار تئاتر کشور برداشته شد. شکل‌گیری مرکزی برای عرضه و تبادلات فرهنگی اتفاق بزرگی بود. جریان نظرسنجی مردمی نیز برای اولین بار انجام شد. یک گروه تقریباً ۲۰ نفره که با برنامه نرم‌افزاری از قبل طراحی شده به جمع‌بندی می‌رسیدند و ...

یک رویداد هنری تنها با چند نمایش خارجی بین‌المللی نمی‌شود، بلکه گفت‌وگو و تبادل تجربه است که باعث بین‌المللی شدن آن می‌گردد.

امسال تلاش کردیم بدانیم که یک رویداد هنری مانند جشنواره چطور می‌تواند در جامعه تأثیر بگذارد و کارکردش فقط در حد برگزاری یک جشنواره نباشد. جشنواره فجر می‌تواند راهبرد یک سال آینده تئاتر را مشخص کند، بنابراین باید به این راهبردها نیز اندیشید.

**راهبرد جشنواره در سنجش رای مردم را در نظرسنجی مردمی می‌توان دید، آیا در این ساز و کار دو معیار شرایط اجرا و اهمیت بخش‌های مختلف جشنواره برای مخاطب، در نظر گرفته شده است؟**

فکر می‌کنم که چون سالن‌های ما ظرفیت مشخصی دارند، تعداد رأی مثبت به یک نمایش و در نظر گرفتن تماشاگران هر اجرا می‌تواند نسبت دقیقی از نظر

مخاطبان درباره یک نمایش را ارائه دهد. شاید ما بتوانیم با تبلیغات مردم را به سالن دعوت کنیم، اما نمی‌توانیم از این طریق روی نظری که نسبت به نمایش دارند تأثیر بگذاریم.

تایید می‌کنم که باید ساز و کارهایی برای فراگیر کردن تئاتر وجود داشته باشد.

**از آن‌جا که مسأله راهبردها و راهکارها به میان آمد، از ساز و کار مورد نظر تان برای فراگیر کردن تئاتر بگویید.**

باید سلاقی مختلف مخاطبان را شناسایی و برای آن برنامه‌ریزی کرد. یکی از دلایل ارتباط نداشتن مردم با تئاتر، خود هنرمندان هستند که منتظر تصمیم دولت می‌مانند. تئاتر خصوصی باید با تقویت تئاتر مدارس و محله‌ها شکل بگیرد. به این معنی که باید به سراغ مردم برویم و برای کسب درآمد، تلاش و برنامه‌ریزی کنیم. از سوی دیگر، اعطای وام قرض‌الحسنه به گروه‌ها و امتیازهای تشویقی باید مورد توجه قرار گیرد. می‌توان روی تولید نمایش‌هایی که قابلیت ضبط رادیویی یا تله‌تئاتر دارند یا قابل عرضه در شبکه خانگی هستند، کار کرد. هنرمند باید کارکردهای تئاتر را بداند و از آن استفاده کند.

**آیا برای گسترش تئاتر در حوزه‌هایی چون مدارس و**

**محله‌ها متخصصان آموزش دیده داریم؟ فکر نمی‌کنید که هر یک از این‌ها به رشته‌ای دانشگاهی نیاز دارد؟**

اگر کار کردها مشخص شد، رشته‌های تخصصی آن نیز دیده می‌شود. تئاتر باید از شیوه سنتی و کلاسیک خارج شود؛ یعنی باید عده‌ای از این مراکز تئاتری خارج شوند و آن را گسترش دهند. در این تعریف، تمام کسانی که شغلشان تئاتر است، حرفه‌ای خواهند بود.

**شما داوری بخش رادیویی و تلویزیونی جشنواره را نیز بر عهده داشتید. ارزیابی شما از تولیدات این دو رسانه چیست؟**

به لحاظ کمی و کیفی با تولیدات بسیار متنوعی روبرو بودیم که رقابت نزدیکی با هم داشتند. اولین اتفاق خوب، پیوندی بود که میان رسانه‌های فراگیر مثل تلویزیون و تئاتر ایجاد شد.

امروزه، مدیران تلویزیون به تئاتر توجه نشان می‌دهند و مدیر هنرهای نمایشی رادیو یکی از حامیان این بخش جشنواره است؛ چراکه ظرفیت‌های تئاتر برایشان کاربرد دارد. سرمایه‌گذاری روی آثار بومی و شناخت تله‌تئاتر می‌تواند برای سال‌های آینده مورد توجه مسئولان جشنواره قرار گیرد.



**تلاش کردیم جشنواره تئاتر فجر را فقط در حد برگزاری نبینیم و کاربردش را در جامعه شناسایی کنیم؛ چرا که جشنواره می‌تواند راهبردهای یک سال آینده تئاتر را مشخص کند**





**حرکت از اولین جشنواره سراسری تئاتر فجر تا دهمین دوره آن، مرحله‌ای بود برای تثبیت این حرکت. جشنواره بیست و هشتم نیز صاحب ویژگی‌هایی است که می‌توان آن را نقطه عطف جشنواره تئاتر فجر دانست**

امروز دیگر جشنواره تئاتر فجر جوان نیست، پیر هم نشده است؛ دورانی را می‌گذرانند که به نظر می‌رسد بهتر است «بلوغ» نامیده شود. با این وجود، هنوز بلوغ کامل را پیدا نکرده است.

اکنون این بزرگترین اتفاق و رویداد تئاتری ایران، توجه هنرمندان و علاقه‌مندان به تئاتر را در داخل و خارج به خود معطوف کرده است و گواه آن فهرست آثار متقاضی است.

حرکت از اولین جشنواره سراسری تئاتر فجر تا دهمین دوره آن مرحله‌ای بود تا این حرکت تثبیت شود و به مؤلفه‌های متعددی آراسته گردد. در همین دهمین جشنواره (۱۳۷۰)، اولین نمایش‌های خارجی حضور یافتند و همه خوشحال از این داد و دهش بین‌المللی، آینده را نظاره کردند. جشنواره دوازدهم (۱۳۷۲) اگر چه بین‌المللی نبود، اما نقطه عطفی در سیر جشنواره‌های تئاتر فجر محسوب می‌شد، همچنین است جشنواره شانزدهم (۱۳۷۶) که سنگ بنای بین‌المللی شدن رسمی جشنواره را گذاشت. این سه نقطه عطف (جشنواره‌های دهم، دوازدهم و شانزدهم) در کنار جشنواره‌های بیست و چهارم (۱۳۸۴) و بیست و ششم (۱۳۸۶) و در نهایت جشنواره بیست و هشتم صاحب ویژگی‌های منحصر به فرد و قابل ذکرند که می‌توان آن‌ها را نقاط عطف جشنواره تئاتر فجر نامید.

اتفاق‌های قابل تأمل و تأثیرگذاری در هر یک از این جشنواره‌ها رخ داده که با برگزاری مستمر آن‌ها، تداوم یافته است. اینک در جشنواره بیست و هشتم، بار دیگر نسل جدیدی از تئاترپیشگان در کنار پیشکسوتان و نسل میانی، آثار خود را در بخش‌های مختلف ارائه می‌کنند. همچنین از حوزه‌های پژوهشی تئاتر کشور گرفته تا تئاتر خیابانی و صحنه‌ای، نمایش‌های رادیویی و تلویزیونی، نمایشنامه‌خوانی و... همه در این جشنواره کنار هم گردآمده‌اند. در این دوره، یک خود جمعی با عنوان «شورای عالی انتخاب» آثار را برگزیدند. اعضای شورا به لحاظ نحوه و نوع انتخاب آثار، رویکردی کیفیت‌گرا با توجه به بضاعت‌های موجود را مدنظر داشتند. اگرچه این نکته وجه اشتراک عملکرد آن‌ها با سال‌های پیش است، اما به لحاظ ساختاری با تدبیر دبیر و ستاد جشنواره، گروه داور و یکپارچه‌تر عمل کرد. نتیجه این انتخاب‌ها مجموعه‌ای از آثار را با کیفیت‌های متفاوت فراهم آورده است که بضاعت‌های موجود تئاتر کشور را در بر می‌گیرد. از سوی دیگر، بی‌تردید، جای بسیاری از هنرمندان تئاتر کشورمان خالی است، اما به نظر می‌رسد که مجموعه‌ای از توانمندی‌ها و سلیقه‌های تئاتری کشورمان در این حرکت دوره‌هم گردآمده‌اند. همچنین جشنواره بیست و هشتم گستردگی افزون‌تری در مقایسه با گذشته داشته است. بازار تئاتر ایران، داور بین‌المللی بخش‌ها توسط دو گروه از هنرمندان و منتقدان تئاتر، چاپ ۱۶ عنوان کتاب، ترتیب‌دادن برنامه‌های آموزشی و نشست‌های علمی، بخش‌های متنوع اجراهای صحنه‌ای، حضور رسانه‌های خارجی در جشنواره و انعکاس بین‌المللی این حرکت از جمله اقدام‌های بسترساز جشنواره بیست و هشتم بوده‌است. اما همچنان جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر نیاز به مراقبت و هدایت بهینه دارد. از آن‌جا که این جشن حرکتی است فرخنده و مفرح، شایسته است که جملگی در کنار هم سرود شادی سر دهیم و آن قدر این جشنواره بضاعت و توانایی پیدا کند تا بتواند پذیرای همه اقشار تئاتری کشور باشد. از این رو رویکردی کیفیت‌گرا اصل اول آن خواهد بود و نیز همدلی بیشتر در تجلی صحنه فجر، شادباشید.

مهر داد رایانی مخصوص، عضو شورای عالی انتخاب آثار و عضو هیأت داوران کانون منتقدان تئاتر:

## رویکرد کیفیت‌گرا، اصل اول جشنواره بیست و هشتم

رادیوتئاتر را می‌توان تلفیقی از نمایشنامه‌خوانی و نمایش رادیویی دانست. وقتی تمام امکانات اجرای نمایش رادیو را برای مخاطب در نظر می‌گیرید، و نفس در نفس تماشاچی نمایش را پیش می‌برید، با پدیده‌ای به نام رادیوتئاتر روبه‌رو می‌شوید، پدیده‌ای که اختراعی جدید نیست، اما حضورش در جشنواره‌های تئاتری جدید و تازه است. رادیوتئاتر همانند نمایشنامه‌خوانی در ارتباط مستقیم با تماشاگر است و این وجه، آن را با نمایش رادیویی که در استودیو ضبط می‌شود، متفاوت می‌کند. اما شباهت آن با نمایش رادیویی به نحوه اجرای بازمی‌گردد، زیرا در رادیوتئاتر گویا تماشاگر از نزدیک در جریان نحوه ضبط یک نمایش رادیویی است و بازیگران همانند استودیو با استفاده از بلندگو به بیان نقش می‌پردازند. امسال بیست و هشتمین دوره جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر در تالار استاد انتظامی خانه هنرمندان ایران میزبان پنج اجرای رادیو تئاتر بود.

### همراه با پنج اجرای رادیوتئاتر

اولین نمایش این بخش با نام «وقتی بچه‌ها نمی‌میرند» با نویسندگی مریم روزبهانه و کارگردانی مجید حمزه دوم بهمن ماه ساعت ۱۸ اجرا شد.



### در رادیوتئاتر، عناصر تلفیقی از نمایشنامه‌خوانی و نمایش رادیویی به چشم می‌خورد

تک بازیگر این نمایش که براساس داستانی از ادگار آلن پو تنظیم شده، امیر جوشقانی بود. مضمون اثر در ارتباط با مال‌خولوبای یک جوان است و ... این نمایش روز دوم جشنواره نیز در تالار انتظامی اجرا شد. نمایش رادیوتئاتر روزهای سوم و چهارم جشنواره (۴ و ۵ بهمن) «یک اجرای شنیدنی» به کارگردانی آشا محرابی و با بازی مهرخ افضلی، مجید حمزه و ... بود. مضمون این رادیوتئاتر داستان یک استاد دانشگاه است که در پایان سفر ماه عسلش، به خاطر یک اتفاق پیش‌پا افتاده با مأموران امنیتی دولت درگیر می‌شود و ... نمایش روزهای پنجم و ششم (۶ و ۷ بهمن) اثری از ایوب آقاخانی با نام «باجه تلفن» بود که علی عمرانی، ایوب آقاخانی، رضا عمرانی، بهرام ابراهیمی و شهین نجف‌زاده در آن به ایفای نقش پرداختند.

مضمون این نمایش که اقتباسی از اثر «لاری کوهکن» است، داستان «استورات شپارد» یک مشاور تبلیغات است که برای برقراری یک تماس ممنوعه با وجود داشتن تلفن همراه، قصد دارد از یک باجه تلفن در خیابانی شلوغ در شهر نیویورک استفاده کند اما غریبه‌ای مرموز با خواسته‌های عجیب در کمین اوست و ...

ایوب آقاخانی که به‌خاطر این اثر تنظیم‌کننده برتر بخش رادیویی جشنواره تئاتر فجر معرفی شد، درباره این نمایش می‌گوید: «قواعد اجرا، نظیر آن چه در تئاتر به عنوان میزانشن وجود دارد، در سراسر این نمایش دیده می‌شود. وجه شنیداری اثر را با چند درصد وجوه دیداری ترکیب کردم تا برای بیننده رادیو تئاتر جذاب‌تر باشد. در عین حال، قوانینی که در رادیوتئاتر وجود دارد، بیشتر از رادیو وام گرفته شده ولی به‌هرحال وجوه دیداری نیز در آن اعمال شده است. اما در روز هفتم و هشتم جشنواره (۸ و ۹ بهمن ماه) رادیوتئاتر «شام آخر» با نویسندگی علی جولایی و کارگردانی ندا هنگامی با بازیگرانی چون ناهید مسلمی، امیر جوشقانی و امید زنده‌دلان اجرا شد.

مضمون این نمایش داستان فرزندان یک خانواده است که پدر و مادر خود را از دست داده‌اند و در میدان راه‌آهن تهران زندگی می‌کنند. مهرناز، خواهر بزرگ خانواده تمام تلاشش را می‌کند تا خانواده را سرپا نگه دارد. روز تولد برادر کوچکشان در حالی که منتظرش هستند، متوجه می‌شوند که او دستگیر شده است و ...

در آخرین روز اجرای رادیوتئاتر (۱۰ بهمن ماه) نمایش «دائزن» نوشته برتولت برشت به کارگردانی جواد پیشگر اجرا شد. در این نمایش، بازیگرانی چون مجید حمزه و رضا عمرانی به ایفای نقش پرداختند. مضمون این نمایش مربوط به وقایع جنگ جهانی دوم در اروپا است. دائزن انسانی آگاه و مورد احترام دیگران به کار فروش خوک و نگهبانی از انبار آهن اشتغال دارد. او با غریبه‌ای مواجه می‌شود که برای غارت و چپاول آمده است و ... این نمایش آخرین رادیوتئاتری بود که در بیست و هشتمین جشنواره تئاتر فجر به اجرای عموم گذاشته شد.

نگاهی به بخش رادیوتئاتر در بیست و هشتمین دوره از جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر

## حضور محسوس رادیوتئاتر در عرصه نمایش





■ شام آخر / عکس: مانی لطفی زاده



■ شرق غزل / عکس: مهدی حسینی



■ دانزن / عکس: احمد نشان



■ نمایشی برای جشنواره / عکس: میلاد پیامی



■ داستان یک پلکان / عکس: ناصر عرفانیان





دوازده / عکس: میلاد پیامی



خدا در آلتونا حرف می‌زند / عکس: رنوفه رستمی



میز / عکس: رضا موسوی



این غسل شهد گلی خونین است / عکس: شکوفه هاشمیان

عیش و نیستی / عکس: اکبر ترابی



حافظه خفاش / شکوفه هاشمیان





# تئاتر کشور از قلم «خاکی» بهره می برد

نمایشی سیمافیلیم حضور داشته است. محمدرضا خاکی نوشتن مقالات پژوهشی را از سال ۵۵ با تحلیل نمایشنامه «سرایدار» نوشته هارولد پینتر در مجله «نگین» آغاز کرد. پس از آن، مقالاتی درباره تحولات تئاتر و مجالس شبیه خوانی نوشت. همچنین در پژوهشی، به بررسی مکان صحنه‌ای در نمایش‌های سنتی ایران پرداخت.

خاکی همچنین مقالاتی را درباره تحولات تئاتر قرن بیستم، تئاتر فرانسه، آثار بکت، دراماتورژی و ارتباط کارگردان و نمایشنامه‌نویس در نشریات مختلفی از جمله «فصلنامه هنر»، «صحنه»، «هنرهای نمایشی» و «کتاب ماه» منتشر کرده است. او در میانه دهه ۸۰، سردبیری «فصلنامه تئاتر» را برعهده گرفت، ضمن اینکه عضو شورای پژوهش تئاتر اداره کل هنرهای نمایشی نیز بود.

محمدرضا خاکی همواره در زمینه برگزاری سمینارهای پژوهشی تئاتر فعال بوده و دبیری همایش «دیالوگ در تئاتر»، سلسله سخنرانی‌های فیلمخانه تخصصی هنر و سمینارهای پژوهش تئاتر خانه هنرمندان از جمله مسئولیت‌هایش بوده است.

مدیریت پروژه تئاتر پداگوژی نیز با خاکی است؛ پروژه‌ای که به صورت مشترک بین دانشگاه اوسنابروک آلمان و دانشگاه تربیت مدرس برگزار می‌شود. در همین سمینار بود که وی مقاله نمایش‌های ایرانی خود را ارائه داد.

او در سال ۸۴، دو اقدام مهم دیگر را به کارنامه فعالیت‌های خود افزود که یکی عضویت در شورای تدوین سند توسعه ۲۰ ساله تئاتر کشور و دومی عضویت در شورای مؤسس iti (وابسته به یونسکو) در ایران بوده است.

در دو دهه گذشته، محمدرضا خاکی نام آشنای بسیاری از هیأت‌های داوری جشنواره‌های تئاتری کشور بوده است؛ جشنواره‌هایی چون تئاتر دفاع مقدس، تئاتر دانشجویی، تئاتر کانون‌های فرهنگی، نمایش‌های آیینی - سنتی و سرانجام جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر. ضمن اینکه در دو دوره عضو کمیته تخصصی انتخاب آثار خارجی جشنواره تئاتر فجر از جشنواره آوینیون فرانسه نیز بوده است.

دکتر محمدرضا خاکی همچنان می‌خواند و می‌نویسد و تئاتر کشور از او بهره می‌برد.

■ منوچهر اکبرلو  
محمدرضا خاکی، اینک وارد ۶۰ سالگی می‌شود، او متولد کرمانشاه است و زمانی که برای تحصیل در رشته هنرهای نمایشی دانشکده هنرهای زیبا راهی تهران شد، برای خواندن و نوشتن درباره تئاتر، قلم را در دست گرفت و این قلم همچنان در دست اوست.

وی سال ۵۷ با رتبه اول، مدرک کارشناسی هنرهای نمایشی را دریافت کرد و راهی پاریس شد. در آنجا ابتدا روانشناسی آموزشی درمانی خواند. دو سال بعد مدرک کارشناسی ارشد تئاتر را از دانشگاه سنت دنیس پاریس گرفت. چهارسال بعد از همان‌جا موفق به کسب دیپلم مطالعات تئاتر (DEA) و پس از آن راهی دانشگاه سوربن شد تا دکترای تخصصی تئاتر را بگیرد. سال ۱۳۷۰ درجه «بسیار افتخار آفرین» دکترای تئاتر به وی داده شد.

خاکی پس از پایان تحصیل، خود را تمام‌وقت در اختیار دنیای پژوهش قرار داد و به عنوان عضو گروه تحقیقاتی دیپارتمان تئاتر دانشگاه سنت دنیس شروع به کار کرد. او همچنین با گروهی به همکاری پرداخت که پیرامون رفتارهای نمایشی سازمان‌یافته (CHSO) تحقیق می‌کردند. وی در همین دانشگاه دارای مجوز راهنمایی مشاوره تئاتر شد و تدریس واحد فرهنگ نمایشی در کشورهای اسلامی را برعهده گرفت.

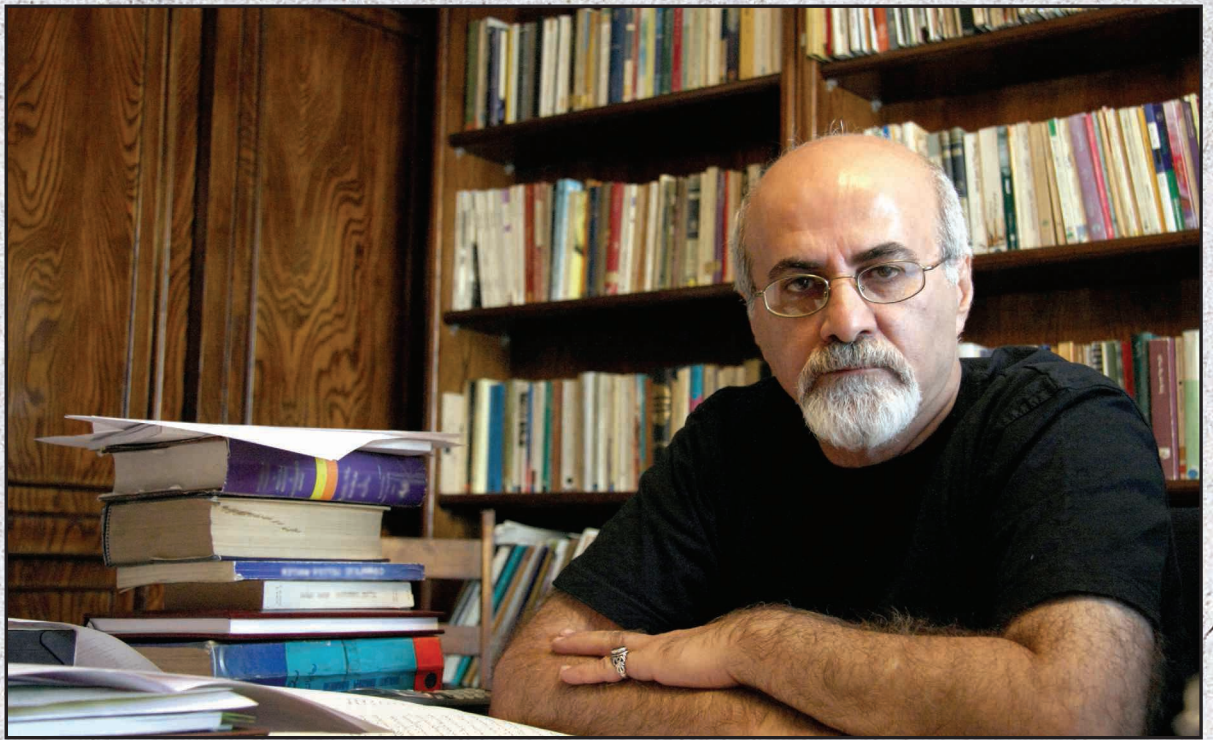
خاکی در آغاز دهه ۷۰، به ایران بازگشت و عضو هیأت علمی گروه کارگردانی دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس شد. او همچنین به عنوان استاد مدعو در دانشکده‌های هنر دانشگاه آزاد تهران، اراک، بوشهر و دانشکده سینما تئاتر و سوره نیز به تدریس پرداخته و چند دوره نیز مدیر گروه بوده است.

در همین دهه، او در هیأت مدیره خانه تئاتر، شورای تئاتر شبکه چهار و شورای ادبیات



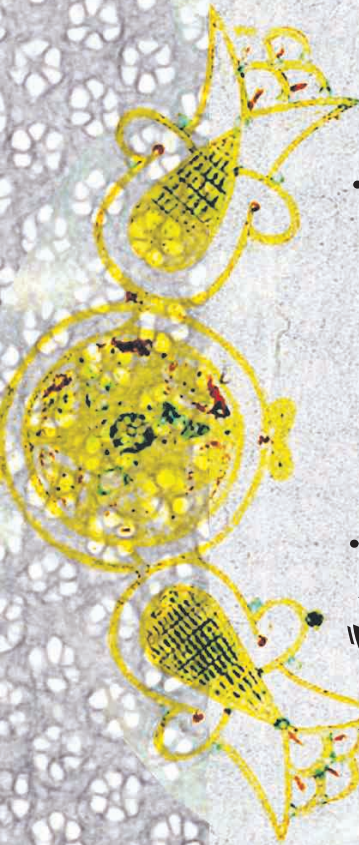
**سال ۱۳۷۰**  
**خاکی موفق به کسب درجه دکترای تئاتر از دانشگاه سوربن شد. در بخش اجرایی، وی مدیریت ایرانی پروژه تئاتر پداگوژی را برعهده دارد**  
**این پروژه به طور مشترک بین دانشگاه اوسنابروک آلمان و تربیت مدرس**  
**تربیت مدرس برگزار می‌شود**





## از دنیای عروسک و خیمه‌شب‌بازی تا مدیریت فرهنگی

بهر روز غریب‌پور، سرو فرهنگ و هنر



فیلم «دوده» همواره به یاد همگان خواهد ماند.

غریب‌پور در زمینه تألیف و ترجمه در حوزه تئاتر نیز فعال بود. ترجمه و تألیف کتاب‌های «دنیای گسترده نمایش عروسکی»، «تئاتر چیست، چگونه زاده شد، چگونه اجرا می‌شود؟»، «نمایش عروسکی گام به گام»، «تئاتر در ایران» و انتشار نمایشنامه‌های «بینوایان»، «کلبه عمو تم»، «قصه تلخ طلا» و... از جمله آثار او در این زمینه است. بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر امسال قصد دارد از تلاش‌های ماندگار این سرو فرهنگ و هنر ایران قدردانی کند تا بهانه‌ای باشد برای پاسداشت همه بزرگانی که هنر و جامعه هنری ایران همیشه مدیون آن‌ها است.

گفتنی است دریافت جایزه «شاه‌ماهی طلایی» از جشنواره «آریونو دل ماره» (مسافران دریایی) در چند ماه گذشته توسط بهروز غریب‌پور، مهر تأییدی بر تأثیرگذاری این هنرمند در عرصه‌های بین‌المللی است چراکه این جشنواره طی سال‌های گذشته این جایزه را به افرادی که در سطح ملی و بین‌المللی به گسترش و توسعه نمایش عروسکی کمک کرده‌اند، اهدا کرده است.

تئاتر عروسکی اصفهان را پایه‌گذاری کرد و سپس سه نمایش موفق «نقش جوجه کلاغ و روپاه»، «سفر سبز در سبز» و «بابایزرگ و ترب» را به روی صحنه برد.

به تهران بازگشتن غریب‌پور همزمان با انتخاب کرباسچی به عنوان شهردار تهران بود. از این‌جا به بعد، علاوه بر حضور در عرصه نمایش، غریب‌پور ردیابی ماندگار از خود به عنوان یک مدیر فرهنگی موفق به جا گذاشت. او کشتارگاه تهران را تبدیل به فرهنگسرا و صحنه تئاتر کرد و با روی صحنه بردن داستان «بینوایان» اثر ویکتور هوگو، از چهار گوشه شهر تهران مردم را به آن‌جا کشاند. به این ترتیب رونق خاصی به تئاتر سوپ و کور آن سال‌ها داد.

تبدیل پادگان ابرانشهر به خانه هنرمندان ایران، ساخت مجتمع فرهنگی - ورزشی ونک، تأسیس اولین خانه فرهنگ محله دارآباد و... از جمله دیگر کارهای بهروز غریب‌پور بوده است. اما همه این‌ها باز به تمامی گویای حضور تأثیرگذار او در عرصه هنر ایران نیست. پروژه‌های سینمایی، نگارش برخی فیلمنامه‌ها، ساخت فیلم‌های مستند و کوتاه و حضور در پروژه‌های ماندگار سهنمایی از جمله

وجود چهره جدی‌اش، به کار کم‌دی روی آورد و چندی بعد با دوستانش گروه «سه تا کتشمش» را راه انداخت. این گروه آن‌قدر معروف شد که کار رقبا به کلی تعطیل شد. چند سال بعد «آرش کمان‌گیر» سیاوش کسرابی را بسیار خلاقانه اجرا کرد، طوری که حتی نظر شوهر خاله متعصبش عوض شد و گفت: «اگر تئاتر و بازیگری این است، حلال است.»

در ۱۶، ۱۷ سالگی، برای رسیدن به استقلال مالی خبرنگار حوادث روزنامه اطلاعات در کردستان شد و این کار را تا سال ۴۹ که برای تحصیل به دانشگاه تهران آمد، ادامه داد.

به محض ورود به دانشگاه، برای نخستین بار یک گروه خیمه‌شب‌بازی را به دانشکده دعوت کرد. پس از سال‌ها، این هنر دوباره زنده شد و همه به وجد آمدند. بار دیگر در سال ۵۲، با کمک بهرام بیضایی توانست هفته خیمه‌شب‌بازی را در دانشگاه تهران برگزار کند. در دوران سربازی نیز همچنان درگیر پروژه‌های تئاتر و ترجمه بود و بعد با یک بورسیه تحصیلی به ایتالیا رفت.

در بازگشت به ایران (سال ۵۸)، ابتدا سرپرست تئاتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شد. در ۹ سالگی که در کانون بود، مرکز

■ بهاره برهانی

مادر که همیشه پسرش را به شوخی «بی‌بی‌جان» صدا می‌زد، هیچ وقت فکر نمی‌کرد این عروسک‌نمایش سنتی کردستان و اسباب «شاه سلیم بازی» پسر رارها نکند، حتی تا میان‌سالگی! به تهران هم که آمد از نخستین جاهایی که کشف کرد، بنگاه‌های شادمانی و خیمه‌شب‌بازی بود. او امروز هم عشق به خیمه‌شب‌بازی را از دست نداده است و در گروه نمایش عروسکی «ایران» با حضور تنها بازماندگان نسل قدیم خیمه‌شب‌بازان از جمله رضا خمسه‌ای و عیسی رزمجو و نسلی از نمایشگران عروسکی دانشگاهی به اجرای دقیقی از خیمه‌شب‌بازی شاه‌سلیم می‌پردازد.

خودش می‌گوید در کودکی، اصلاً به بازی‌های کودکانه عادت نداشت؛ فوتبال و از این قبیل چیزها که اصلاً باب نشده بود و به الاکلنگ و گردوبازی و غیره هم میلی نداشت. اما خیلی خوب تقلید صدا می‌کرد و به جای عروسک‌های مختلف حرف می‌زد و...

از اینکه کی و کجا به دنیا آمده، یا این‌که به دلیل فضای مذهبی خانواده‌اش همواره از کار هنری منع می‌شده، بارها گفته است و همه شنیده‌ایم. او از ۱۴ سالگی بازیگری را تجربه کرد. با

به محض ورود به دانشگاه، برای نخستین بار یک گروه خیمه‌شب‌بازی را به دانشکده دعوت کرد. پس از سال‌ها، این هنر دوباره زنده شد و همه به وجد آمدند.



# مصائب اتیلا پسیانی بودن

■ **علی اصغر دشتی**  
 با پذیرش نوشتن درباره اتیلا پسیانی مسئولیت سختی را پذیرفتم. حالا هم که این نوشته را آغاز می‌کنم، نمی‌دانم از عهده این مسئولیت دشوار، در یک نوشته مختصر بر می‌آیم یا نه!

درباره کسی باید بنویسم که بی‌رحمانه در لبه تیغ «نقی» و «تائید» قرار دارد. دشواری «اتیلا پسیانی» بودن هم همین است. دسته‌ای در ستایشش سر از پا نمی‌شناسند و دسته‌ای در انکارش!

در همه این موارد یک نکته آشکار است: او مؤثر است!

اتیلا پسیانی نه به گواهی آنچه من و شما درباره‌اش قضاوت می‌کنیم که به گواهی جایگاه داخلی و بین‌المللی که دارد، مهم است. حال چه من و شما و آثارش را دوست بداریم، چه دوست نداریم. اتیلا پسیانی در برابر این شرایط مقاومت می‌کند و شرایط را هم دارد. این شرایط را همه در وجود خود ندارند. او واکنش هم نشان می‌دهد، نه صرفاً در دفاع از آثار هنری که تولید می‌کند، بلکه در دفاع از «دموکراسی تولید تئاتر». او برای مقابله با آن چیزی می‌ایستد که می‌داند از حوزه یک نقد دلسوزانه تئاتری و اختلاف سلیقه تئاتری خارج است. او انسان است و از حریص انسانی خود دفاع می‌کند. او برای بقای دموکراسی تولید تئاتر، دلسوزانه تلاش کرده است و خود اوست که امروز بهانه سرنگونی این بقا شده است. حتی خانواده و فرزندان او هم از این یک‌سوگیری‌ها در امان نیستند.

اتیلا در واکنش به این وضعیت وارد عمل می‌شود، اما گاهی با همان زبان پرخاشگرانه‌اش! این همان آتیلابی است که ما ساختیم. حالا که به اندازه او نمی‌شویم باید فریبکارانه او را به اندازه‌های خود - حداقل در ادبیات پاسخگویی‌اش - تبدیل کنیم.

آن قدر با او درباره کارش سخن نگفتم، آن قدر اتیلا را در لبه تیغ دوگانه (نقی و تائید) تنها گذاشتیم که هرگز نتوانست از ما درباره آثارش نکات مهم و کارکردی را بشنود. واکنش امروز اتیلا حاصل حداقل دو دهه دشمن ناشیانه از

جانب کسانی نسبت به اوست که می‌توانستند عالمانه‌تر به نقد آثار او بپردازند نه به نقد شخصی «اتیلا پسیانی».

امروز او اصراری بر این که دوست داشته شود، ندارد. هویت خود را نه از جانب «تائید کنندگان» اش که از جانب «نقی کنندگان» اش کسب می‌کند. یعنی از جانب همان‌ها که تلاش می‌کنند هویت کسب شده او را واژگون کنند. هراس اتیلا از پذیرش توسط نیروی رایج، او را دو دهه در گروه تئاتر «بازی» سر روش مورد پسندش مصر کرده است. همین نکته است که اتیلا را به مرد مصر تئاتر ایران بدل می‌کند. اتیلا جزء معدود آدم‌هایی است که در تئاترش تغییر هویت نداده است. او به پای روشی ایستاده است که در مرحله نخست دوست می‌دارد. در مرحله دوم؛ (درست همان زمانی که به جای گفت‌وگوی سالم درباره کارش به پرخاش دست می‌زنیم) در روشش به بازیگوشی و لجajتی مخفیانه هم دست می‌زند. او عاشق بازی است!

گروهی به این اصرار اعتراض دارند، در حالی که همان‌ها خود در دامان اصراری دیگر گرفتارند. اما چرا اصرار اتیلا بر روش مورد علاقه‌اش در تئاتر این همه عصبانیت به جا می‌گذارد و اصرار بسیاری دیگر خنثی و بی‌تأثیر است؟! اتیلا ناخواسته زاد و ولد می‌کند؛ زاد و ولدی از خودش شاید دور، اما مثل او ترس و جسور. او جسارت را تشویق و حمایت می‌کند، حتی اگر به جسارت او مربوط نباشد. او قدرتی استثنایی در تشویق جوان‌ترهای خلاق با رویکردهای منحصر به فرد خودشان دارد. او آن‌ها را با شخصیت تئاتری خودشان می‌پذیرد و دستورالعملی برای شبیه شدن آن‌ها به خودش صادر نمی‌کند. بخشی از نسل جوان که رویکردی خلاق به تئاتر دارند، به همین دلیل اتیلا را دوست می‌دارند. کاری که هم‌نسلان اتیلا با آن‌ها نمی‌کنند، او با انگیزه بالایی آن کار را انجام می‌دهد.

امسال و همزمان با جشنواره تئاتر فجر برای «اتیلا پسیانی» مراسم بزرگداشتی برگزار خواهد شد. همیشه انگیزه‌های برگزاری بزرگداشت‌ها، انگیزه‌های مهمی است. بزرگداشت امسال برای اتیلا به هر انگیزه‌ای که باشد، بی‌شک برای «بزرگی» اوست. اما اتیلا همچنان جوان، فعال و پویاست. برگزاری مراسم بزرگداشت برای اتیلا همیشه جوان شاید یک شالوده شکنی است. پس غنیمت می‌شماریم.

به «اتیلا پسیانی» عزیز ۲۰ سالگی گروه تئاتر «بازی» را تبریک می‌گویم. امید که همیشه جوان بماند.



## بازیگر نوپای ایران «مریم معترف» بهترین ۳۵ سال پیش تیترو روزنامه «کیهان» شد:

■ **پری صابری**

اولین خاطره‌ای که از مریم معترف دارم، ۳۵ سال پیش باز می‌گردد به وقتی که دانشجوی رشته کارگردانی و بازیگری در دانشکده هنرهای زیبا بود. آن روزها من درصدد روی صحنه بردن نمایش «درس» نوشته یونسکو بودم و دلم می‌خواست در این نمایش چهره‌ای جدید به جامعه هنر تئاتر معرفی کنم. فراخوانی دادم و آن دخترک نوپایی که نظرم را جلب کرد، «مریم معترف» بود. قرار شد در کنار یکی از هنرپیشه‌های معروف ایران کار کند؛ محمدعلی کشاورز!

داشتم ریسک می‌کردم چون این متن تنها روی دو بازیگر که نقش‌های استاد و دخترک را بازی می‌کردند، استوار شده بود. می‌دانستم که انتخابم درست است و آن نمایش آن قدر پربار عرضه شد که مریم معترف عنوان بهترین بازیگر نوپای ایران را از طرف روزنامه «کیهان» به دست آورد.

بازی در کنار یک بازیگر مطرح اضطراب و شور زیادی برایش داشت، اما با بازی خوبی که کاملاً استوار انجام داد، با شجاعت و اعتماد به نفس خاطرهای موفق از خود برجای گذاشت. خاطره نمایش «درس»، خاطره‌ای خوب برای هر دو ما شد.

از آن زمان تاکنون، کارهای او چه در زمینه مدیریت و چه در بخش اجرای نمایش را دنبال کرده‌ام و همواره احساس می‌کنم که چقدر با عشق کار می‌کند و مدام نامش با کارهای مختلف پر سر زبان‌ها است. تئاتر، هنری دشوار است و آن که با عشق به فعالیتش ادامه می‌دهد، در این هنر پا برجاست.

امیدوارم این عشق روز به روز در او فزونی یابد و هر روز در عرصه مدیریت، کارگردانی و بازیگری موفق باشد و نامی معتبرتر کسب کند.



# فرزند تئاتر گران



## ■ منوچهر اکبرلو

محمد هادی نامور راد ۵۰ سال پیش در گرگان به دنیا آمد، شهری که همواره در آن زیسته و افتخار آفرین تئاترش شده است؛ گرگانی که همیشه از شهرهای مطرح کشور در زمینه تئاتر بوده است. او گرچه در نیمه دهه ۵۰ تحصیل در رشته علوم تربیتی در دانشگاه ابرویحان را برگزید، اما همواره به تئاتر اندیشیده است. وی نخستین بار با نوشتن و کارگردانی نمایش «سراب» در جشنواره شهرستانها (سال ۵۴) خود را به تئاتر کشور عرضه کرد. دو سال بعد، با کارگردانی نمایش «ویس و رامین» در سومین جشنواره استانها (سال ۵۶) نشان داد که آمده است تا در تئاتر بماند.

نامور در ادامه نمایشنامه «صالح آسیابان» را نوشت و آن را در سال ۶۰ در تبریز و یک سال بعد در سالن اصلی تئاتر شهر تهران روی صحنه برد. سال ۶۴ نمایشنامه «صدای زنگ در مه» او به کارگردانی فرخ زاهدی در جشنواره تئاتر فجر چشم‌ها را به سوی خود فرا خواند؛ نمایشی که در رشته‌های مختلفی از جمله نویسندگی، جوایزی را از آن خود کرد.

نامور سال بعد با نمایشنامه «گازر» در جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر حضور یافت و در سال ۶۷ نیز نمایشنامه «ماهگیران» او با کارگردانی قدرت‌الله صالحی متن برگزیده جشنواره شد. سال ۶۸ «حکایتی ساده» را از او دیدیم. این نمایش در جشنواره استانی گرگان و جشنواره منطقه‌ای شیراز از نظر متن و کارگردانی برگزیده شد. در گام بعدی، این نمایش به جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر راه یافت.

نامور در ادامه، نمایشنامه «بعد از ظهر طولانی» را نوشت که جوایزی را در جشنواره منطقه‌ای یزد از آن او کرد و در سال ۷۰ در جشنواره تئاتر فجر به نمایش درآمد. سال ۷۲، بار دیگر جشنواره تئاتر فجر شاهد هنرنمایی



## داشتن سالن تئاتر، یک آرزوی دیرینه

صحنه تئاتر می‌داند. کارش را در رادیو به عنوان بازیگر، گوینده، مجری و بعدها به عنوان تهیه‌کننده رسمی ادامه داد. سال ۵۷ برای ادامه تحصیل در رشته تئاتر به فرانسه سفر کرد و چند سال بعد در نیمه راه دکترای تئاتر، به وطن بازگشت.

مدتی نیز به عنوان تهیه‌کننده تلویزیون در گروه‌های مختلف ایران‌شناسی، سیاسی، ادب و هنر و کودک به تولید برنامه پرداخت. به این ترتیب «ما می‌توانیم» و «دالی» یادگارهای همیشگی معترف برای تمامی کودکان آن سال‌های ایران شد.

وی بازیگری را تا به امروز که سرپرستی خانه نمایش و مدیریت اداره تولیدات تئاتر را بر عهده دارد، ادامه داده است. هنگامی که از مهم‌ترین آرزوی تئاتری‌اش صحبت می‌کند، می‌گوید: «داشتن یک سالن تئاتر آرزوی دیرینه من است. دلم می‌خواست یک سالن تئاتر داشته باشم که همیشه بتوانم در آنجا با گروه کار کنم و همان‌جا هم نمایش‌هایم را به اجرا بگذارم. شاید کمبود سالن تئاتر باعث شده این آرزوی تمامی گروه‌های تئاتری باشد.»

زهره شایانفر: مریم معترف کودکی هفت‌ساله بود که به دلیل تغییر محل کار پدرش، مدتی ساکن همدان شد. در همان زمان بود که از سوی مدرسه به تماشای تئاتر رفت؛ خاطره‌ای که برای همیشه در ذهنش ماند و زمینه‌ای شد تا در زمانی که چندین دور در تهران، علاقه وافرش به بازیگری آشکار شود.

دیدن تئاتر، سرگرمی دوران کودکی‌اش بود و با اصرار، خانواده را به دیدن تئاتر برمی‌انگیخت. دیری نپایید که در دبیرستان، نمایشنامه می‌نوشت، بازی می‌کرد و نمایش به صحنه می‌برد. بازیگری رادیو را نیز که از کودکی شروع کرده بود، همچنان ادامه می‌داد. عشق و علاقه‌اش به بازیگری، او را به سوی تحصیل در دانشگاه هنرهای زیبا برد. این سال‌ها را با حمایت خانواده پشت سر گذاشت و راه‌های پیشرفت را یکی پس از دیگری طی نمود. معترف ۱۷ سال بیشتر نداشت که به دعوت حمید سمندریان در تئاتر تلویزیونی «طیب اجباری» بازی کرد. اما او بازی در نمایش «درس» به کارگردانی پری صابری را اولین حضور حرفه‌ای‌اش در

**ارزو دارم یک سالن تئاتر داشته باشم که همیشه بتوانم در آنجا با گروه کار کنم و همان‌جا هم نمایش‌هایم را به اجرا بگذارم**

**آخرین حضور جشنواره‌های نامور تا به امروز به جشنواره تئاتر فجر در سال ۷۸ بازمی‌گردد؛ زمانی که نمایشنامه «نیلوفرهای آبی» را نوشته بود**

شبکه استانی مازندران پخش شده‌اند. وی همچنین به انجام تجربه‌هایی در زمینه مجموعه‌های تلویزیونی پرداخته است، مجموعه‌هایی چون «جهان‌بانو»، «بادهای موسمی»، «آرزوهای بزرگ طالب» و «برخورد». او همچنین فیلمنامه دو فیلم داستانی «درآمد زهائی» و «اسرین» را نوشته که از تلویزیون پخش شده است. محمد هادی نامور راد را هنوز و همواره به عنوان مرد صحنه می‌شناسیم؛ او که فرزند تئاتر گرگان است.

محمد هادی نامور راد با نمایش «دشت سنگ» بود که در بخش‌های متن و کارگردانی برگزیده شد. آخرین حضور جشنواره‌ای او تا به امروز به جشنواره تئاتر فجر، در سال ۷۸ بازمی‌گردد؛ زمانی که نمایشنامه «نیلوفرهای آبی» را نوشته بود. پس از آن، وی به تولید نمایش‌های تلویزیونی روی آورد. «دیپلمات» (بر اساس نوشته‌های از خخوف)، «بو قلمون صفت»، «آقای شهردار»، «یکشنبه پربرکت» و «بعد از ظهر طولانی» تله تئاترهای او هستند که از شبکه چهار سیما و نیز



گزارشی از حضور برگزیدگان تئاتر خیابانی مریوان در جشنواره بیست و هشتم

## فرصتی برای آشنایی فرهنگها



### نمایش «یک معرکه» از تفرش

نمایش «یک معرکه» به کارگردانی میثم سرآبادانی از تفرش در ۲۰ دقیقه سعی دارد حضور یک معرکه‌گیر و داستان برخوردهای او با مردم را روایت کند. سرآبادانی که خود بازیگر این نمایش است، از چهارمین جشنواره تئاتر خیابانی مریوان تندیس بهترین بازیگر مرد را دریافت کرده است. او می‌گوید هدفش از اجرای این نمایش، نخست زنده نگه داشتن معرکه و معرکه‌گیری به عنوان یکی از نمایش‌های قدیمی ایران و در درجه دوم تجربه گونه‌های مختلف نمایش خیابانی است. این کارگردان معتقد است برای هرچه جذاب‌تر کردن این نمایش، تعلیق‌های متعددی را در جای جای آن گنجانده تا با مخاطبان بیشتری ارتباط برقرار کند.

مریوان از سال ۱۳۷۳ با برگزاری نخستین یادواره تئاتر مریوان در فهرست شهرهای دارای جشنواره مستقل تئاتر کشور قرار گرفت. این شهر بار دیگر در سال ۸۱ نقطه آغاز اجرای نمایش‌های خیابانی در خطه خود شد. جشنواره تئاتر خیابانی مریوان با همه فراز و فرودهایی که پشت سر گذاشته، یک حرکت مداوم و بی‌وقفه را نشان می‌دهد که حکایت از فرهنگ و خواستی مردمی در استقبال از آن دارد. در اهمیت این جشنواره همین بس که فرصتی بیش از قبل را برای فعالان عرصه تئاتر خیابانی در جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر فراهم کرده است. برگزیدگان جشنواره تئاتر مریوان امسال با ۱۳ نمایش در بیست و هشتمین جشنواره تئاتر فجر حضور دارند.

### نمایش «دون کیشوت» از هشترگرد

می‌یابند. دون کیشوت اکنون موجودی نیمه آدم - ماشین است و ... نوریان تجربه اخیر خود را یک نوع پرفورمنس با ویژگی خاص موزیکال اما بی‌کلام معرفی می‌کند و می‌گوید: نمایش ما یک تأویل و نگاه آزاد به داستان دون کیشوت است. ما عناصر ذهنی داستان اصلی را با دردسرهای عینی و مؤلفه‌های مدرنیسم مثل ثروت‌اندوزی، قدرت‌طلبی، نقش رسانه‌ها، جنگ و ... برای سه آدمک نشان داده‌ایم.

«دون کیشوت» دیگر نمایش بخش برگزیدگان مریوان است، کاری از گروه «تئاتر مردم» هشترگرد. این نمایش با نویسندگی، طراحی صحنه و کارگردانی علی نوریان توانسته جوایز طرح و ایده نمایش، طراحی صحنه، متن و کارگردانی را از جشنواره تئاتر خیابانی مریوان دریافت کند. نمایش، داستان دون کیشوت و ساچوپانزا است که در هیبت دو محصول تولیدی از کمپانی قهرمان‌سازی در بسته‌بندی‌هایی شکل

### نمایش «درد مشترک» از مریوان

«درد مشترک» به کارگردانی آوات صدیقی‌نیا نمایش دیگری است از گروه «تئاتر باران» مریوان که توانسته جایزه نمایشنامه‌نویسی را برای جمشید بهرامی و بازیگری سوم مرد را برای این گروه به ارمغان آورد. این نمایش داستان برخورد یک روزنامه‌فروش و واکسی است که بحث آن‌ها بر سر درآمد بیشتر است. این نمایش در فضایی رئال سعی در به تصویر کشیدن مشکلات ساده‌ای دارد که برای قشر ضعیف بسیار دست و پا گیر است. صدیقی می‌گوید: در این نمایش، تمرکز روی آدم‌هایی است که همه جا دیده می‌شوند؛ کسانی که فقط به دنبال پول هستند تا زندگی خود را بگذرانند.



پیر ما از اصحاب تئاتر و رسانه بودن و بعد سال‌ها عنکبوت در جیب او پیشک انداختن و پیر ما تمام بلیت سالن‌ها را در ایام جشنواره خریدن و بازار سیاه در انداختن و پلیس پارک دانشجو او را گرفتن و باقی قضایا.

پیر ما استادکار خویش بود  
پشت مویش اسبی و ریشش سفید  
پشت سر بنهاده او عمر گران  
قامتش چون دال بودی واژگون

الغرض، حرف حساب حالیش بود  
خالی از شوق و شمع، شور و امید  
این زمان درمانده و محتاج نان  
چشم‌هایش هر یکی یک کاسه خون

### و خود در غزلی در شرح حال خویش فرماید:

و چه بی‌رنگ و بی‌نشان که منم  
مفلس از مال این منم اکنون  
بعد عمری که روی صحنه‌های تئاتر  
لیک پولی کجاست تا با آن

گشته آسفالت گلهم دهنم  
تو بگو راه حل که من چکنم  
با تمام وجود جان بکنم  
به دلم خرده مرهمی بزمنم

### و در ادامه مطلب ...

سال‌ها می‌خورد خاک صحنه را  
در جوانی مدتی دستیار بود  
بود در کار گزارش، گفت‌وگو  
اندک اندک بعد از آن نقدی نوشت  
آمد و بازیگری هم کار کرد  
چند سالی بود در اوج و فرود  
الغرض، روزی به حال خویش بود  
گفت عمری را سپردی پشت سر  
کوت پول و کوت خانه ای پسر  
نو مریدی بود در اطراف او  
گفت به باشد در ایام کنون  
تو بدان که جشنواره در ره است

این چنین بگذشت بر وی روزها  
بعد آمد توی مطبوعات زود  
جمله این کارها می‌کرد او  
منتقد شد در مسیر سرنوشت  
چندتایی کار ناهنجار کرد  
در نهایت کارگردانی نمود  
خسته و غمگین و حزم‌اندیش بود  
کار کردی چند سال مستمر  
ای رئیس ساده‌ها، خاکت به سر  
مخلص و دلخسته و علاف او  
حیلتی بندیم از مکر و فسون  
مرد این کار است هر کو آگه است

### در باب فتنه‌ای که آن نومرید باعث شد:

ای مرد بزرگ، خیز از این قف\*  
در پیش فروش کارها تو  
یک چند بلیت کن مهیا  
در روز شروع جشنواره  
آن‌جا همه را تو آب می‌کن

برخیز و برو کنون تو در صف  
در صف بنشین بارها تو  
کس بو نبرد ازین قضایا  
در نزد مخاطب آ همواره  
هم سود کن و ثواب می‌کن

### در بازگشت به داستان اصلی:

این سخن در نزد او چون گشت راست  
صبح چون خورشید تابان سرزدی  
از پس انداز و نزول و نقدها  
پول را می‌داد و نوبت می‌گرفت

پیر ما بر چشم خود مالید دست  
پیر ما چون ماه بر بام آمدی  
جمله را می‌برد سوی گیشه‌ها  
جمله اینا زکارش در شگفت

### و باقی حکایت از زبان افسر پاسبان ...

در ایام شلوغ جشنواره  
دو دستش توی جیبش کرده محکم  
دهانش بیخ گوش خلق بودی  
بدیدم اندکی از غیغیش را  
کلامی را که می‌گفت او به پنهان  
و دانستم که بازار سیاه است  
چو او را بردم و تفتیش کردم

بدیدم پیرمردی بی‌قواره  
نگاهی خیره و شکلی مصمم  
صدایی از درون خلق بودی  
کمی از چانه، قدری از لیش را  
شنیدم از زبان شخص ایشان  
دلش تاریک و آیینش تپاه است  
بلیت از هیکلش می‌ریخت هر دم

### و در مذمت اقبال گوید:

پیر ما یک عمر سر در راه بود  
ناگهان اقبال از او رو برگرفت  
جرم او ایجاد بازار سیاه  
کاهدان را دید و بی‌فکر سراب  
همان ایست است، منتها به عربی.

آدمی مقبول و عالیجاه بود  
پاسبان پیدا شد و او را گرفت  
حبس او سنگین و اقبالش تپاه  
با بلاهت دسته گل را داد آب





«جواد افشین نژاد» مصداق فردی است همه فن حریف. او هم در حوزه مدیریت اداری و هم در حوزه مدیریت فنی تجربه‌های فراوانی دارد. ریاست تالارهای گوناگون وحدت، سنگلج، محراب، فرهنگسرای نیاوران تا مسئولیت در واحدهای ستادی اداره کل هنرهای نمایشی، جملگی او را به فردی کارآزموده و با موی سپید مبدل ساخته است. بی‌شک اغلب تئاتری‌های کشورمان او را می‌شناسند. نخستین ارتباط جدی من با او، زمانی بود که در کنار دفتر او و کانون ملی منتقدان جمهوری اسلامی ایران، جلسات هفتگی خود را برگزار می‌کردیم و هر هفته، سلام و علیکی بین ما رد و بدل می‌شد؛ البته پیش از این نیز یکدیگر را می‌دیدیم؛ اما این تماس‌ها و ارتباط دوجندان و مستمرتر بود. سپس با یک دعوت ساده و صمیمانه، او به یاری‌مان در تئاتر شهر آمد. من و او جزو آخرین‌ها بودیم که تئاتر شهر را ترک می‌کردیم؛ یا او یا من و البته قاسم مرادی، جزو آخرین‌ها بودیم. افشین نژاد برای من، مرد عمل و تجربه است. «نه» در دهان او نمی‌آمد و نشدنی‌ها را شدنی می‌کرد. «خیمه عاشورا» از آن نشدنی‌ها بود که با مدیریت وی و همکاری بچه‌های باصافی تئاتر شهر در برف و بوران هم برپا می‌شد و صد اقدام و تدبیر مشابه دیگر. در طول سی‌و‌اندی سال خدمت در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چندین وزیر، معاون وزیر و مدیرکل را دیده است و مخزن‌الاسراری است شگرف! امیدوارم نسل جوان بتوانند از تجربه‌های او بیاموزند و سپاسگزار این پدر معنوی باشند.

مهرداد رایانی مخصوص

## پدر معنوی کیست جواد افشین نژاد؟



آن چه در این جشنواره تازگی داشت، بازار تئاتر و جایزه مردمی بود. طرح بازار تئاتر در یکی از سفرهایی که داشتیم از سوی محمد اطبایی مطرح شد. با تأکیدی که روی زیبایی و راحتی فضای بازار شد برنامه‌ریزی کردیم و در نهایت توانستیم فضایی زیبا با محیطی آرام را برای هنرمندان کشور و مهمانان خارجی ایجاد کنیم. طراحی و ساخت صندوق‌های جایزه مردمی که برای اولین بار در جشنواره اتفاق افتاده بود نیز باید شکل و درخور این اتفاق مهم صورت می‌گرفت.

در بخش اقلام تبلیغی جشنواره، به عنوان ناظر چاپ انتخاب شدم. گذشته از پوسترها، بنرها و دیگر اقلام تبلیغی، باید چاپ دو کتاب، پوستر و عکس‌های تئاتر را نیز نظارت می‌کردیم چرا که باید اثری شکل و ماندگار برای تئاتر تولید می‌شد. در زمینه چاپ بلیت، بلیت‌هایی طراحی کردیم که نه تنها به راحتی قابل جعل نباشند، بلکه نشانه‌های ماورای بنفش و هولوگرامی نیز برای تشخیص بلیت‌های اصلی و بدلی در آن درج شده باشد. در روند شکل‌گیری و برگزاری جشنواره، رفاقت و دوستی در میان اعضای دبیرخانه و همچنین تجربه کافی دبیر در اداره امور، کمک زیادی به من کرد.

## تقدیر از همکاران بخش شهرستان‌ها

### بخش تئاتر خیابانی

باران ببارد یا برف، سرد باشد یا گرم، خنجر آفتاب چشم درآورد یا شب دید را مختل کند، خیابانی آلوده از صدا و دود یا بوستانی در محله‌ای دور؛ در هر حال، بخش خیابانی همچنان مخاطبانی پرشمار دارد و هنرمندانی که به آن مشغولند. اما آنان که پا به پای هنرمند و مخاطب دشواری‌ها را تحمل می‌کنند و مسئولیت‌ها را بر دوش دارند، رابطان گروه‌های خیابانی‌اند: شهرام کرمی، محراب رستمی و جلال وفايي، تلاش خالصانه شان و خاطره پرشور بخش خیابانی جشنواره بیست و هشتم تئاتر فجر در یاد تئاتر ماندگار خواهد بود. خدا قوت!

## دوستی و رفاقت هماهنگی را آسان می‌کند جواد رمضانی، مدیر کمیته هماهنگی:

## نمایش «پلان آخر» از مریوان

«پلان آخر» به نویسندگی و کارگردانی مختار محمدی از گروه تئاتر «شین» مریوان است. این نمایش به گفته کارگردانش، به تصویر کشیدن سال‌های زندگی یک هنرمند است و تلاش‌هایی که او برای رسیدن به آرمان‌هایش انجام داده است. محمدی که خود بازیگر این نمایش نیز هست، در این باره می‌گوید: «پلان آخر» حرف‌های یک هنرمند درباره زندگی‌اش است. او لوح تقدیرهای بسیار، دست‌نوشته‌ها و خودکارهای بی‌جوهر فراوانی را به حراج می‌گذارد تا ...

## نمایش «معضل» از سقز

«معضل» به نویسندگی و کارگردانی محمد زارع‌زاده، نمایشی از گروه تئاتر «پیوند» سقز است. این نمایش با تکیه بر نوعی کمدی موقعیت، سعی در مطرح کردن معضلات مطرح در روابط بین آدم‌ها در جامعه دارد؛ مسائلی که با رعایت کردن آن هر شهروندی می‌تواند زندگی شهری بهتری را تجربه کند. نمایش «معضل» با مجادله دو نفر آغاز می‌شود و با استفاده از خود تماشاگران محتوای نمایش به صورت کمدی و تا حدی با بداهه پیش می‌رود. آن‌ها بر سر مسائلی مثل تنه‌زدن به هم و ... دعوا می‌کنند و در آخر، دعوا به میان بازیگران و کارگردان می‌رسد که چرا حق و حقوقشان را نمی‌دهد و ...

## نمایش «به سرعت‌گیر نزدیک می‌شوید» از ملایر

«به سرعت‌گیر نزدیک می‌شوید» نمایشی است که نویسندگی، طراحی و کارگردانی آن را مهدی حبیبی برعهده داشته و کاری از گروه نمایش «سیاه و سپید» ملایر است. این نمایش به دلیل شاخص‌هایی چون دریافت جوایز اول کارگردانی و دوم نویسندگی، جایزه دوم بازیگری مرد، جایزه اول بازیگری زن و جایزه ویژه هیأت داوران از چهارمین جشنواره تئاتر مریوان، جزو برگزیدگان این جشنواره نیز بوده است. مهدی حبیبی کارگردان این نمایش می‌گوید: ایده این نمایش را از عشق‌های خیابانی و سرانجام نافرجام آن‌ها الهام گرفته‌ایم و سعی کرده‌ایم در قالب طنز و بداهه با جلوه‌های بصری خاص، مرحله به مرحله این نوع زندگی‌ها را تا جایی که به جدایی می‌رسند، نشان دهیم. وی افزود: ما داستان را از زبان دو روح روایت می‌کنیم و همین نامتجانس بودنش، برای تماشاگر جذابیت ایجاد می‌کند.

## نمایش «اعتیاد» از میناب

«اعتیاد» نوشته حبیب‌الله ناصری با کارگردانی مشترک باقر رمضان‌زاده و حبیب‌الله ناصری، اثری از گروه تئاتر «صدف» میناب است. این نمایش که در جشنواره تئاتر خیابانی مریوان جایزه بهترین طراحی لباس و نمایشنامه را دریافت کرده است، با طراحی فانتزی به مسأله اعتیاد و معضلات آن می‌پردازد. «اعتیاد» داستان چند سیگاری است که به میان جوان‌ها می‌آیند؛ آن‌ها در نخستین برخورد خود با یک جوان دانشجو او را معتاد می‌کنند، اما بعد از او فاصله می‌گیرند ...

## نمایش «منج»

«منج» نام نمایشی است به نویسندگی، طراحی و کارگردانی اسماعیل صرامی از گروه نمایش «مهاجر» اصفهان. این گروه هر سال نمایش خود را در چارچوب یک بازی در جشنواره فجر ارائه می‌دهد. سال گذشته «شطرنج» و امسال «منج» اسماعیل صرامی درباره «منج» می‌گوید: این نمایش دو پیرمرد را نشان می‌دهد که روی صفحه منج مسیری را با مهره‌ها طی می‌کنند تا به داخل خانه‌ها بروند. درون خانه‌های نهایی هویت‌ها و خرده‌فرهنگ‌های کشور ما و همچنین نمایش‌های سنتی ایران مثل انتربازی، بندبازی، پهلوانی، تعزیه و ... اجرا می‌شود.

## نمایش «شیلون کشتی» آستانه اشرفیه

«شیلون کشتی» به کارگردانی محمدرضا جعفری لفوت، اثری از گروه تئاتر «یلدا» آستانه‌اشرفیه است. جعفری در این باره اظهار می‌کند: «شیلون کشتی» نام مراسمی آیینی در منطقه ما است که یک آیین اطعام و پذیرایی هم‌کیشیان پس از برآورده شدن نذر و نیاز است و طی آن آیین باران خواهی نیز اجرا می‌شود. این کارگردان اجرای این نمایش را حفظ و احیای آیین‌های سنتی که در حال فراموشی هستند، نخست برای آشنایی نسل جدید و سپس برای آشنایی فرهنگ‌های مختلف با یکدیگر عنوان کرد.

## نمایش «گرگور» از خرمشهر

«گرگور» به کارگردانی عبدا... حلیات اثری از گروه نمایش «الغدیر» خرمشهر است. این نمایش داستان سه مجرم فراری است که هر کدام داستان جرمی که مرتکب شده‌اند را تعریف می‌کنند و از جامعه کمک می‌خواهند. حلیات درباره «گرگور» می‌گوید: در این نمایش، هدفم تنها نشان دادن جرم یا بد بودن عمل این افراد نبود، بلکه می‌خواستم عوامل و زمینه‌هایی را که باعث سوق دادن این آدم‌ها به این سمت شده و حتی برخورد و واکنش مردم نسبت آن‌ها در زمینه کمک و طردشان از جامعه را نشان بدهم.

## نمایش «از سفید تا خط‌خطی» از کرمانشاه

«از سفید تا خط‌خطی» به نویسندگی و کارگردانی سید سروش پیمبری و اثری از گروه تئاتر «هیوا» کرمانشاه است. این نمایش در ۱۸ دقیقه می‌کوشد به مضرات مصرف قرص‌های شادی‌آور و عوارض رواج آن در جامعه بپردازد. «از سفید تا خط‌خطی» که سال ۸۳ جایزه سوم نویسندگی را از جشنواره مریوان دریافت کرده، داستان یک دانش‌آموخته موسیقی است که به خاطر مصرف قرص‌های شادی‌آور حافظه‌اش را از دست می‌دهد.



Loan Khetagouri, Juror of Int'l Competition:

## Theater Market, a Creative Beginning for Int'l Participation

Loan Khetagouri holds a PhD in the world theater studies. He is also an international expert of theater studies, cultural policymaking, cultural management and theatrical studies. He is a jury member of international competition of the 28th Fajr International Theater Festival.

He is in Iran for the second time because he has started studies on theater since age of 16, having comprehensive knowledge of Iran theater.

The difference between the ongoing and previous festival is its theater market, he said.

"Theater market is a

creative start for presence in international scene," the expert maintained.

He was pleased over participation of Iranian theater groups in the market.

"This indicates their preparation to cooperate with other countries, showing potentials for progress and interaction," he noted.

On criteria for judging works, the expert said such a thing does not exist.

"The only important thing is presence of an art of high standard," he said.

No difference in language or country could be a hurdle if a real art exists, he concluded.



Brian Dooley, Juror of Int'l Competition:  
 "Theater for All" Exceptional



Brian Dooley is producer, director, performer, dramatist, assistant art director and manager of Village Theater. He is a member of the jury of international section of the festival.

He has come to Iran with no knowledge of the country's theater. His mind is blank and virgin about Iran theater.

He has come to evaluate works.

On place of Fajr theater festival among international festival, Dooley said, "It is not fair to compare a festival with another one. Each festival is arranged based on culture of its society." He added that Fajr festival is comparable with other festivals in

physical conditions and expansion.

But it is not fair to compare it with others for content and quality of works.

Dooley termed as interesting the slogan of "Theater for All."

"This is an exceptional saying, showing that there are all kinds of plays for all types of people."

On his criteria for judging the works, Dooley said that each jury member tackles and judges a special section.

If you want to know view of each jury member separately, you should take a look into his/her background and the profession and the theater world they are coming from.



Yvonne Franquinet  
 Juror of Int'l Competition

## Finding Yong talents

Yvonne Franquinet, the jury member of the festival said that she had low information on Iran theater.

"I came here with a blank mind to find knowledge after seeing the plays," she said. "I have a curious mind because of my profession which is finding young talents for a production institute I am working with. The talented youth who perform well but their works are not seen." Yvonne added that she wanted to find out how much attention is paid to young talents in other countries. She termed as intellectual, focused and deep the works in the festival. "I witnessed that the plays and directions were traditional. However, plays like Shakespeare's Macbeth were staged as well. The vast diversity is a significant."



## Rashidi, Juror of Int'l Section: Judgment, an Artistic-Creative Process



"As a jury member of international section of a festival like Fajr, I remind you that you need judgment for every simple decision of your life either during shopping or in an artistic festival. You make comparison and what you choose is the result of your judgment," said Davoud Rashidi.

A theater festival either is focusing on a special topic or a collection of matters; it could have some points for you to make judgment, added Rashidi.

Various issues should be taken into account in judging plays in a festival, Rashidi said.

"The jury member will have in mind all the yardsticks including what kind of a play is the one you are watching? Why has been selected, why it has been performed at that time and by that group, what issue it is raising, what are the musts for its performance, how it approaches today's issues and is it able to convey its messages and ...," explained the noted stage and cinema actor.

The jury member, he said, would compare the present and previous works of the troupe as well. The jurors will even give scores to plays because of their countries of origin or performance, he added. The jury members usually talk about the play while judging and learn from one another in the course of judgement. Judgment is a subjective process; a juror can not put a play on an escalator and give it scores after weighting them "As an artist creates and stages its work with his/her imagination, a juror would judge the play with its idea, background, experience and knowledge," Rashidi said, stressing that judgment is an artistic and creative task.

Dr. Seyyed Mohammad Hosseini, Minister of Culture and Islamic Guidance:

## Festival, Credit & Reputation of Ministry

**Abbas Abdolizadeh:** New appointments were made in departments of the Ministry of Culture and Islamic Guidance since the incumbent minister, Seyyed Mohammad Hosseini has taken the office. Hosseini, however, retained his deputy for artistic affairs and managing director of Dramatic Art Department to

"But festival is the credit and reputation of the Culture Ministry." The minister pictured a bright perspective ahead of regional theater as well as presence of Iran theater in the international theater scene.

**Fajr Theater Festival is the most important theater event in the country.**

**This is your first experience with the festival. What is your opinion about the event?**

The country has numerous festivities in February (the month of the victory of the Islamic Revolution). Theater festival, held simultaneously along with film and music festivals, is of paramount importance. I have

way. I think I would use my experiences of organizing this edition to hold the next festivals better.

Our culture is a rich and noble Islamic and Iranian one. We can find good topics to show splendor of the nation. We must be more cautious toward choosing such subjects. Despite cold-shoulder from

This doesn't mean that this is the (maximum) capacity of the country's theater. We have more untapped potential. We are witnessing that a great number of young talents are working along with theater veterans. Provincial visits show that the country boasts creative, talented and capable youth in regions. We are going to promote regional theater. Infrastructures should be prepared in cities which have no facilities for having theater festivals similar to the Fajr film festival in ten provinces concurrently.

Serious steps should be taken with regard to international presence. Plans should be implemented next year to invite neighboring countries, ECO member states as well as countries with strong theater background to the festival. We try to be more active to encourage countries to participate in the festival. Iran can serve as focal point of theater in the region and the world. Theatrical groups would become familiar with our culture closely.

They can convey the message of our revolution to their countries in their return. The affairs slow down when a senior official changes. But the same is not true for the Culture Ministry and we are witnessing an organized festival in the ongoing edition.



the post for them to be able to organize the 28th Fajr International Theater Festival properly. In an interview with Mr Hosseini, his views on status of theater were sought.

Hosseini believed that implementation of artistic matters should not face gap to help responsible officials hold the festival in a proper manner.

He termed as more successful the ongoing festival compared to its previous editions, adding that not ministry's whole activities should be limited to festivals.

been asked about my approach toward the festivals since the very first day of taking the office. My answer is that all issues should seriously be pursued. No gap is welcomed. This is why we had the least new appointments in the artistic department to make organizing the festivals possible. I do not limit all activities of the ministry to holding of festivals. But I understand that holding a festival shows different aspects of artistic activities. I have joined the ministry in the half-

certain people trying to discourage (the people), thespians acted normally, showing a strong participation in the 28th Fajr International Theater Festival.

**How much comprehensive is the theater? Do you have plans for supporting regional theater and stronger presence in international scene?**

Studies carried out in various fields indicate that the ongoing festival has been more successful in majority of fields compared to the previous editions.





named by Kayhan as an emerging young talent.

Co-starring with a famous actor brought many stress and motivation for her. But her good and strong acting coupled with self-confidence and braveness etched her memory in the history of Iran theater. The cooperation was a good memory for both of us.

Henceforth, I chased her works either as a manager or in theater, believing that she works with love. Her name is word of mouth. Theater is a difficult profession and those can continue who work with love.

I hope her fond would increase day by day and I could see a more successful manager, director and actress in the future.

## Mohammad-Hadi Namvar-Rad A Son of Gorgan

**Manouchehr Akbarlou:** Mohammad-Hadi Namvar-Rad was born in northern city of Gorgan 50 years ago. His hometown has always been a hub of theater of the country.

His debut was direction and writing of "Mirage" in 1975. The play participated in the 1975 festival of regional theater.

He directed "Veis and Ramin" in 1977, participating in the third festival of regional theater.

Namavar went on with writing "Saleh the Miller" in 1981 in Tabriz, staging the work a year later in Tehran Theater Complex.

His "The Sound of Bell in Fog" was directed by Farrokh Zahedi in 1985, putting the spotlight on Namvar in the Fajr International Theater Festival.

The play collected numerous awards including the best playwright in the festival.

Namvar brought on stage "Gazor" a year later, participating in the Fajr International Theater Festival. His "Fishermen", directed by Ghodrattollah Salehi, was named the best play of the Fajr festival in 1988. In 1989, audience watched "A Simple Narration."

He wrote "Long Afternoon" later which brought for him awards from Yazd regional festival.

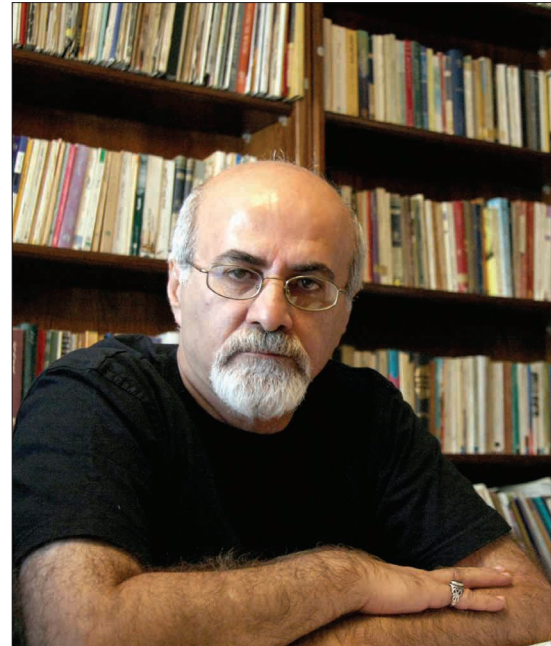
The play staged in Fajr festival in 2001.

The Fajr festival hosted a work by Namvar-Rad in 2003. "Stone Plain" received awards for best direction and play.

His latest participation in the festival dates back to 2009 when he wrote "Lotus".



## Behrouz Gharibpour, From Puppet Show to Cultural Management



**Bahareh Borhani :** Puppets have been accompanying Behrouz Gharibpour since childhood. He has not lost its love for puppets even today. He is in love with puppet shows, cooperating with "Iran" puppet show group. The group is comprised of veteran puppeteers including Reza Khamsej and Isa Razmjou as well as educated puppeteers. They staged a precise version of Soltan Salim.

Gharibpour said earlier that he was not interested in playing like other kids during childhood.

He was very good in imitating voices, talking instead of his various puppets.

Gharibpour started acting at the age of 14.

Despite his serious face, he was interested in comedy.

Gharibpour became so popular in comedy that he beat out rivals.

Immediately after his admittance to the university, he was invited to join the university's puppet show (kheime shabbazi) group.

The traditional show was revived after years of decline. He left Iran for a scholarship in Italy later.

He headed theater department of the Institute for Intellectual Education of Children and Young Adults in his return in 1980. He founded Isfahan puppet theater center where he staged three successful plays of "Role of Baby Crow and Fox," "Green in Green Trip," and "Grandpa and Radish."

Gharibpour returned to Tehran concurrent with appointment of Gholamhossein Karbaschi as Tehran mayor. Henceforth, his name was etched in the history of Iran culture as a successful manager.

Gharibpour turned Tehran's slaughter house into a cultural complex.

He replaced a garrison in Tehran's Iranshahr street to Artists House, constructed Vanak cultural/sport complex, established first district Culture House in Darabad neighborhood in northern Tehran and ....

But listing all the above credits is not enough to describe the important role played by Gharibpour in Iran art and culture.



## Theater Benefits From Khaki's Pen



**Manouchehr Akbarlou :** Mohammad Reza Khaki is 60 years old now. Born in western city of Kermanshah, Khaki headed to Tehran to study performing arts in the Faculty of Fine Arts. Khaki took pen to write about theater and still holding it.

He was graduated from performing arts in bachelor level in 1979. Leaving Iran for Paris, he studied psychology in the beginning. He holds a master degree of theater from Saint Denis University of Paris.

He spent four year on obtaining a diploma in theater studies from the same university.

Khaki took a PhD in theater in 1991 from Sorbonne University. He devoted his time to researches after graduation. He became a member of theater research department of Saint-Dennis University. Khaki also cooperated with a group conducting studies on organized theatrical behaviors. Returning to the country in the early 1990s, he became a scientific member of direction department of Tarbiat Modarres (instructor training) University's Art Faculty.

He is currently teaching in various universities.

Khaki has written papers on 20th century developments of theater, France theater, works of Samuel Beckett, dramaturgy and relations between director and dramatist. Khaki has held numerous research seminars. He joined a council in charge of compiling the country's 20-Year Vision Plan for theater in 2005. Khaki is also a member of the International Theatre Institute (ITI), which is run by the United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO).

## Passions of Being Atila Pesiani

**Ali Asghar Dashti:** Atila Pesiani is an important person not because of what I say or what you judge but because of domestic and international place he occupies. Whether I or you like his works or not, he is important,...

Atila Pesiani resists situation and has conditions for resistance. Not everybody has such capabilities. He reacts sometimes but not only to defend the artistic works but to defend "democracy of creation in theater."

He stands against the thing (behavior) which violates borders of a reasonable criticism or difference in theatrical tastes.

He is a man, defending his humane integrity. He has sympathetically endeavored to defend "democracy of creation in theater."

Even his family and children are not immune to such one-sided (rigid) approach.

Atila reacts to such situation, sometimes with aggressive language. This is the same Atila we have been made. He is way ahead of us now.

He does not insist on loving him. He does not take his identity from his "acclaimers" or "deniers," Those who try to destroy his identity.

I express my congratulation to dear "Atila Pesiani" for the 20th anniversary of troupe "bazi." I wish he would remain young forever.



Kayhan in 1975:  
"Maryam Motaref, the Best Emerging Young Performer"

**Pari Saberi:** This is my first memory of Maryam Motarf. It dates back to 35 years ago when she was a student of direction and acting in the Faculty of Fine Arts. I was working to stage "The Lesson" by Eugene Ionesco and wanted to introduce a new talent to the theater field.

I made a call for a female performer, a young girl, Maryam Motaref, grabbed my attention. She was supposed to costar with one of the renowned Iranian actors Mohammad Ali Keshavarz.

I was taking a risk because the text was compiled for two performers, a master and his student.

I believed in my choice and the play was staged so successfully that Maryam Motaref was



# THEATER

31 January 2010

The 28th Fajr International Theater Festival

